

شهر از منظر
فرهنگ شهری

تشرنگاه

شماره سوم | مهر
خبرگزاری ایمن

شماره سوم | مهر ۹۷
خبرگزاری ایمنّا

سرمقاله

۳ تأملی بر فرهنگ شهری

دیدگاه

۴ اصفهانی‌ها؛ از شیوه زندگی تا سبک زندگی

پرونده

۱۳ رویدادهای شهری و شهر رویدادگرا

۱۴ نقش جشنواره‌ها و رویدادهای شهری در توسعه راهبردی شهرها

۲۰ بازنگری در مفهوم شهر رویدادگرا

۲۵ پورتفولیوی رویداد چیست؟

۳۰ معرفی کتاب: شهرهای رویدادگرا: مدیریت فرهنگی و باززنده سازی شهری

شهر آینده

۳۴ شهرهوشمند؛ آب هوشمند

محیط زیست شهری

۳۸ بزرگترین مرکز بازیافت زباله در اروپا چگونه ساخته شد؟

۴۱ اینفوگرافی: چرخه بازیافت زباله‌های شهری

تبارشناسی شهری

۴۲ تاریخچه بنای شهرداری اصفهان

۴۷ مهندس ملک‌تجار؛ کارنامه‌ای درخشان

نهادهای شهری

۴۸ آشنایی با رصدخانه فرهنگی اجتماعی استان اصفهان

۵۰ نگاهی به رصدخانه‌های فرهنگی سراسر جهان

۵۲ پژوهش‌های شهری

۵۵ کلان‌شهرها



ز یک میل کرد آفریدون نگاه
یکی کاخ دید اندر آن شهرگاه

ماهنامه شهرگاه

نشریه تخصصی مدیریت شهری

وابسته به خبرگزاری ایمنّا و با همکاری مدیریت مطالعات و پژوهش
شهرداری

مدیرمسئول: ایمان حجتی

سردبیر ارشد: زهرا محمدی

سردبیر: احمد رضا جلوه‌نژاد

دبیر اجرایی: میلاد مرتجی

همکاران این شماره: صنم فارسیمدان، هدی خردمند، مصطفی نباتی نژاد، مهدی

أصالح، الهام یوسفی

گروه ترجمه: الهه سیف‌الدین، پگاه بهادران، مریم زمانی

صفحه‌آرایی: سید مهدی رضوی

آدرس: اصفهان - میدان لاله - کندروی اتوبان فرودگاه - نبش پارک مجتمع

فرهنگی مطبوعاتی شهرداری اصفهان - طبقه چهارم

تلفن: ۸ - ۳۱۱۲۴۵۴۳ - ۳۱

تمامی حقوق مادی و معنوی متعلق به خبرگزاری ایمنّا است

تأملی بر فرهنگ شهری

فرهنگ مفهومی گسترده است که به بند کشیدن آن در قالب یک جمله تقریباً ناممکن می‌نماید و از این‌رو تا به امروز جستجوی معنایی دقیق از «فرهنگ» به دست نیامده است گو اینکه در یک معنای کلی به‌عنوان «الگوهای زندگی و تفکر» از آن یاد می‌شود. داستان این کلمه ریشه در سرگذشت انسان دارد. انسان‌ها در قیاس با سایر حیوانات کره خاکی چنین می‌نمود که از امکانات کمتری برای بقا برخوردارند. در مقام مقایسه نه چنگال‌هایی قوی داشتند و نه دندان‌های چندان تیز و نه بدنی چنان تنومند. اگر اصل ماجرا چنین بود، می‌بایست نسل انسان در همان دوره‌های نخستین منقرض می‌شد چرا که در چرخه غذایی توانمندی چندان برای شکار و ارتزاق نمی‌داشت؛ اما انسان کشاورزی را ابداع کرد و کشاورزی سرمنشأ تمامی شئون زندگی انسانی شد. انسان کشاورز دیگر از غارها بیرون آمده بود و اجتماعاتی روستایی را شکل می‌داد و سپس شهرها را بنا کرد. پیرامون همین پدیده کشاورزی و جوامع کشتگر بود که رفته‌رفته قوانین، باورها و اعتقادات، تقویم، رسوم و آیین‌ها و جشن‌ها و حتی موسیقی و خط و ادبیات شکل گرفت و به تعبیری «الگوهای زندگی و تفکر» قوام و دوام یافت. زمانی که در قرن هفدهم اروپاییان این نیاز را یافتند تا برای این مفهوم کلمه‌ای را ابداع کنند از Cul-tura کلمه‌ای لاتین به معنای مراقبت کردن از کشت و زرع و دام بهره گرفتند و به این ترتیب Culture نیز از Agriculture یا کشاورزی به‌درستی مشتق شد. معادل فارسی آن «فرهنگ» که معانی پرورش و ادب و علم و دانش را در خود نهفته داشت، خیلی پیشتر زاده شده بود چنانکه در اشعار کسانی مانند مروجی و

فردوسی توسی به‌وفور دیده می‌شود: «یکی پور دارم رسیده بجای / به فرهنگ جوید همی رهنمای»
فرهنگ‌های هر قوم و قبیله و سرزمینی که بر این اساس در ابتدا پیرامون کشتزارها و مزارع آنان شکل گرفت و از این‌رو ریشه در درک آن مردمان از اقلیمی داشت که در آن زندگی می‌کردند و در هماهنگی با طبیعت سرزمینشان بود در طی قرن‌ها پایه‌ای شد بر نحوه زیست، معماری و شهرسازی اقوام مختلف و به این ترتیب شهرها نیز نمادهایی مهم از فرهنگ‌های هر قوم و سرزمینی شدند.
«فرهنگ شهری» اما چگونه تعریف می‌شود؟ آن‌هم در این زمانه‌ای که از شهرهای نخستین تاریخ چون شوش و بابل و آکد و گندی‌شاپور و ممفیس که ۳۰ تا ۱۰۰ هزار نفر جمعیت داشتند فاصله گرفته‌ایم و شهرها و کلان‌شهرهای امروزی ترکیبی پیچیده از مناسبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را در خود انباشته دارند؟
رابرت ازرا پارک، از متقدمان جامعه‌شناسی شهری در نخستین دهه‌های قرن گذشته این باور را چنین مطرح کرد که «شهر، چیزی بیش از یک مجموعه ناهمگون از مردمی فرد فرد و تسهیلاتی اجتماعی چون راه‌ها، ساختمان‌ها، چراغ‌های الکتریکی، تراموا و تلفن‌هاست. شهر همچنین چیزی است بیشتر از یک منظومه‌ای از مؤسسات و دستگاه‌های اداری - دادگاه‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس، پلیس و کارمندان از انواع مختلف. شهر ورای این همه، یک برساخته ذهنی است، مجموعه‌ای از آداب‌ورسوم و سنت‌ها و نگرش‌ها و احساسات سازمان‌یافته‌ای که در این آداب‌ورسوم رشد یافته و با این سنت‌ها انتقال می‌یابد. به بیان دیگر، شهر صرفاً مکانی فیزیکی

و ساختی مصنوع نیست. این در فرآیندهای حیاتی افرادی که آن را تشکیل می‌دهند، درهم‌تنیده شده است: شهر محصول طبیعت و به‌ویژه طبیعت انسانی است.»
بر این اساس امروزه تعریف و ویژگی شهرها را عمدتاً با مفهوم «فضای شهری» بیان می‌کنند، که بیانگر اتمسفری است که نیازهای زیست‌بشری را در ساحتی متنوع و پیچیده به درجات مختلف پاسخگو است: از تأمین غذا و سکونت و مذهب گرفته تا یادگیری و حتی حس زندگی و سرزندگی.
با این مقدمه از مفاهیم فرهنگ و شهر به این پرسش کلیدی که فرهنگ شهری چیست؛ باز می‌گردیم. فرهنگ شهری آن گونه که امروزه مورد توجه متفکران حوزه شهری قرار دارد، به فرهنگی اطلاق می‌شود که در یک فضای شهری جا خوش کرده و ریشه دوانده است. بده و بستانی که قرن‌ها میان فضاهای شهر و فرهنگ مردمانش جاری بوده و به یکدیگر تأثیر گذاشته و شکل داده‌اند.
فرانچسکو بونزونه‌لا، استاد دانشگاه پادوا، اخیراً در مقاله‌ای چنین ذکر کرده که: «آنچه مفهوم فرهنگ شهری باید به ما ارائه دهد نوعی شکل‌گیری ارتباط تنگاتنگ بین روابط اجتماعی به‌عنوان یک خروجی متغیرهای سیاسی-اقتصادی و فرهنگی از یکسو و فضا از سوی دیگر به‌عنوان بستری است که این روابط در آن ظهور و بروز می‌یابند.»
این تقریباً نزدیک به همان جمله‌ای است که زمانی وینستون چرچیل به زبان راند: «ما ساختمان‌هایمان را شکل می‌دهیم و سپس آن ساختمان‌ها هستند که ما را شکل می‌دهند.»

سردبیر

اصفهان‌ها؛ از شیوه زندگی تا سبک زندگی

دکتر محمدتقی ایمان، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز است
اسفندماه سال ۱۳۹۳ پیرامون نتایج پژوهش «شناسایی و تحلیل الگوهای سبک زندگی شهروندان شهر اصفهان» نقطه نظراتش را در قالب یک سخنرانی ایراد کرد. در اینجا، بخشی از آن سخنرانی که در باب سبک زندگی در اصفهان است را خواهید خواند.

سبک زندگی کاملاً متکی به اختیار انسان است و انتخابی هم هست. یعنی انسان‌ها سبک زندگی را می‌سازند. چیزی که ساخته می‌شود در حوزه فرهنگ است. پس اساساً سبک زندگی مختصات فرهنگ است، ولی چون با عنصر فردی ارتباط دارد، دو تا مؤلفه اساسی یکی فرهنگ و دیگری روانشناسی هم در آن خیلی قوی عمل می‌کند و هرگونه دخل و تصرفی اگر قرار باشد در سبک زندگی ایجاد کنیم باید با حوزه فرهنگ و روان‌شناسی مردم سروکار داشته باشیم. به همین لحاظ هم هست که به نظر من دو فرایند فرهنگ‌پذیری و شکل‌گیری شخصیت، خیلی در

سبک زندگی دخالت دارد.

وقتی که حوزه سبک زندگی حوزه تنوع و تمایز و اختیار انسان باشد، عنصر ماهوی سبک زندگی، تغییر است. یعنی در سبک زندگی تغییر وجود دارد، اگر تغییر وجود نداشته باشد سبک زندگی ابراز نمی‌شود. پس کسانی که می‌خواهند در سبک زندگی کار مطالعاتی انجام بدهند، باید مدیریت تغییر بلد باشند، یعنی در حوزه فرهنگ ورود کنند. ولی کسانی که می‌خواهند روی شیوه زندگی کار کنند باید نظریه و نظریه‌سازی بلد باشند. مثلاً الآن به ما بگویند سبک زندگی گروه‌بندی‌های اصفهان را می‌خواهیم تغییر بدهیم، من اولین سؤالی که می‌کنم این است برای کجا می‌خواهید تغییر بدهید، برای چی می‌خواهید تغییر بدهید؟ هدف کجاست، استراتژی کجاست، چشم‌انداز کجاست؟ این نظریه می‌خواهد.

ما متأسفانه نظریه روشنی در اداره جامعه نداریم و این هم که شما دارید می‌بینید، این است که مردم خودشان دارند می‌سازند؛ یعنی مردم در تعامل باهم در تعامل با حاکمیت در تعامل با گذشته و تاریخ، دین، سنت و منابعی که از

خارج از کشور می‌آید سبک زندگی خودشان و گروه‌بندی‌ها را دارند می‌سازند و به همین خاطر هم هست که گاهی ما برایمان غریب می‌آید که: عجب این هم هست، و این هم هست؟ چون این تجربه زیستی ما نیست، تجربه زیستی گروه‌بندی‌های دیگر است؛ چه‌بسا جزء خانواده ما نباشند، اصلاً نمی‌شناسیم اینها کی هستند. پس درواقع ما ممکن است اصلاً عجیب‌وغریب باشیم، طبیعی هم هست، به خاطر اینکه ماها که اینجا نشستیم، هرکدام یک تجربه زیسته داریم، و وقتی هم داریم معرفی می‌شویم او نمود و بروز می‌یابیم! به تجربه زیستی خودمان رجوع می‌کنیم. بعد هم می‌فهمیم تا چه حد قابل فهم هستیم. ولی با این تعریفی که الآن داریم می‌کنیم تجربه‌های زیستی متعدد و گهگاه متضاد و متناقضی را داریم در یک جامعه تجربه می‌کنیم. آن چیزی که این تناقض و تضادها را مدیریت می‌کند، شیوه زندگی است، یعنی نظریه است که این را مدیریت می‌کند. پس به همین خاطر اگر ما برداشت‌مان را با این سبک زندگی تطابق بدهیم متوجه می‌شویم که سبک زندگی پدیده بسیار پیچیده‌ای است، به خاطر اینکه تغییر در

در سبک زندگی تغییر وجود دارد، اگر تغییر وجود نداشته باشد سبک زندگی ابراز نمی‌شود. پس کسانی که می‌خواهند در سبک زندگی کار مطالعاتی انجام بدهند، باید مدیریت تغییر بلد باشند، یعنی در حوزه فرهنگ ورود کنند. ولی کسانی که می‌خواهند روی شیوه زندگی کار کنند باید نظریه و نظریه‌سازی بلد باشند.

آن وجود دارد، به خاطر اینکه ساخت‌وساز مرتب گروه‌بندی‌های اجتماعی در آن به وجود می‌آید. و نمی‌شود نسبت به سبک زندگی ورود کرد مگر اینکه از جنس خودش باشد به همین خاطر هم هرگونه تغییری در سبک زندگی بخواهیم بدهیم باید حتماً با مشارکت افرادی باشد که درگیر با آن سبک زندگی هستند و خارج از آنها درواقع سبک زندگی، تغییرش به‌آسانی امکان‌پذیر نیست، پس این بحث، بحث جدی است.

مثلاً در مدیریت تغییر هم مدل‌های متفاوتی داریم، به‌عنوان مثال می‌گویم، یک مدل مدیریت تغییر، مدل کاتر است که می‌گوید بهترین راه مدیریت تغییر این است که بیاپید از رویکرد دیدن، حس کردن و عمل کردن استفاده کنید. یعنی باید حتماً نمایشی اجرا کنید که گروه‌هایی تحت تأثیر آن نمایش قرار بگیرند و فعالیتشان را تغییر بدهند، وقتی فعالیت را تغییر دادند یک ساخت‌وساز جدید به وجود می‌آید و می‌شود یک سبک زندگی جدید. من فکر می‌کنم اصفهان و شهرداری باید روی آن قسمت مدل‌های تغییر بیشتر کار کند و مخصوصاً مدل تغییر کاتر را من پیشنهاد می‌کنم. به همین خاطر خیلی از تابلوهایی که شما مثلاً در اتوبوس‌ها می‌زنید برای چیست، این تابلویی که در خیابان زدید برای چیست؟ برای این است که ببیند، احساس کند، تغییر ایجاد کند. حالا شما باید [بررسی]



▲ دکتر محمد تقی ایمان

ما متأسفانه نظریه روشنی در اداره جامعه نداریم و این هم که شما دارید می‌بینید، این است که مردم خودشان دارند می‌سازند؛ یعنی مردم در تعامل باهم در تعامل با حاکمیت در تعامل با گذشته و تاریخ، دین، سنت و منابعی که از خارج از کشور می‌آید سبک زندگی مردم و گروه‌بندی‌ها را دارند می‌سازند و به همین خاطر هم هست که گاهی ما برایمان غریب می‌آید که: عجب این هم هست، و این هم هست؟ چون این تجربه زیستی ما نیست، تجربه زیستی گروه‌بندی‌های دیگر است؛ چه‌بسا جزء خانواده ما نباشند، اصلاً نمی‌شناسیم اینها کی هستند.

کنید که آیا این نوع دیدن چه نوع احساسی ایجاد می‌کند؟ آیا این نوع احساس به تغییر رفتار می‌انجامد یا نه؟ این هم یک بحث است.

■ **شیوه زندگی در اصفهان و شیراز**

من علاقه دارم با توجه به مقدمه‌ای که خدمت دوستان عرض کردم برداشتی که از شیوه زندگی اصفهانی‌ها پیدا کردم در این قسمت و نمی‌خواهیم بگوییم بد یا خوب است، کاری به این بخش ندارم. من فکر می‌کنم اصفهان با توجه

ما دو نوع کنش متقابل داریم یک کنش متقابل پیوسته داریم که در جهت همسازی اتفاق می افتد. مثل همکاری، مساعدت. این ها کنش و انتقال پیوسته اند، کنش متقابل گسسته مثل رقابت، سبقت جویی، ستیز، داده های ما نشان می دهد که مردم اصفهان بیشتر کنش متقابل گسسته از نوع سبقت جویی دارند، رقابت هم نه، ستیز هم نه، سبقت جویی. یعنی علاقه مندند خودشان را نسبت به دیگری جلو بیندازند و به همین خاطر خانواده من نسبت به دیگری، خویشاوند من نسبت به دیگری، شهر من نسبت به دیگری، حتی استان من نسبت به دیگری.

به داده هایی که ما به دست آوردیم، بیشتر بافت و زمینه زندگیشان «گروه نخستین» است، یعنی بیشتر با گروه های نخستین تعاملات زیادی دارند، مثل خانواده، خویشان، گروه های دوستی. ضمن اینکه با این ها ارتباط دارند نوعی فردگرایی هم در آن وجود دارد، به همین خاطر من شیوه زندگی اصفهانی ها را گذاشتم «فردگرایانه مبتنی بر گروه های نخستین» که البته با شیراز فرق دارد، در شیراز بیشتر «مبتنی بر جمع» است. Community جامعه نیست، جمع است، به همین خاطر آنجا عاطفه و احساسات و هیجانات خیلی زیاد است، اینجا نه. اینجا درواقع یک مقدار محاسبه گری، عقل، عقل فردگرا و یک مقداری خیلی جالب است به شما بگویم، تمایل به قدرت خیلی قوی تر است، درحالی که در شیراز تمایل به لذت زیادتر است. پس به همین خاطر من فکر می کنم این حالت در هرجایی اتفاق بیفتد کنش متقابل بین آدم های کنش متقابل گسسته است؛ کنش متقابل پیوسته نیست. ما دو نوع کنش متقابل داریم یک کنش متقابل پیوسته داریم که در جهت همسازی اتفاق می افتد. مثل همکاری، مساعدت. این ها کنش و انتقال پیوسته اند، کنش متقابل گسسته مثل رقابت، سبقت جویی، ستیز، داده های ما نشان می دهد که مردم اصفهان بیشتر کنش متقابل گسسته از نوع سبقت جویی دارند، رقابت هم

نه، ستیز هم نه، سبقت جویی. یعنی علاقه مندند خودشان را نسبت به دیگری جلو بیندازند و به همین خاطر خانواده من نسبت به دیگری، خویشاوند من نسبت به دیگری، شهر من نسبت به دیگری، حتی استان من نسبت به دیگری. پس به همین خاطر تمایلاتی که در این شهر وجود دارد، در شیوه زندگی بیشتر تمایلات دو-قطبی است، صفر و یک-من نسبت به دیگری-اینکه این سبقت جویی را در گروه های نخستین انجام می دهند بیشتر علاقه مندند که خودشان را صاحب قدرت و اختیار بکنند، خانواده شان، خویشاوندشان، بعد شهرشان و همین طور الی آخر. جالب است که در این قسمت ایستادگی می کنند و آن چیزی هم که این قسمت را نگه داشته رسوبات ناشی از همین سبقت جویی است، یعنی ته داستان یک فصل مشترک اتفاق می افتد. و جالب اینکه این ها به خاطر این ماندگاری که داشتند در مقابل تغییر مقاومت می کنند. اصفهانی ها در مقابل تغییر خیلی روی خوشی ندارند و شما به داده ها نگاه کنید این ها نسبت به فضای مجازی خیلی اعتماد نمی کنند؛ اقبال نمی کنند درواقع، اعتماد اجتماعی شان پایین، مشارکت اجتماعی شان پایین است، این ها در مقابل تغییر خیلی راحت نیستند. و به همین خاطر شهرداری فکر نکند می تواند

رفتار شهروندان را تغییر بدهد، به آسانی امکانش نیست، این مردم در مقابل تغییر مقاوم هستند. حالا چرا مردم اصفهان این جوری هستند؟ حتما نیازمند یک تحقیق دقیق تری است که به نظر من به لحاظ روانی باید تحقیق عمیق تری انجام دهیم. چون وقتی می گوییم این ها مقاوم هستند یعنی زیست تاریخی مردم اصفهان را داریم می گوییم. حالا باید ببینیم حمله هایی که شده، بحث تاریخی اصفهان چه بوده؟ کجا رفته؟ چرا درواقع مردم این طور بار آمده اند؟ ما نمی خواهیم بازبگوییم خوب است یا بد، ممکن است هم حسن باشد هم از یک لحاظ محدودیت برای ما باشد، چون ما علاقه مندیم به عنوان کارگزار در زندگی مردم وارد شویم. اگر مردم علاقه مند نباشند وارد بشویم، خطرناک است، ما نمی توانیم هر برنامه ای اجرا کنیم. یکی از بحث های دیگر درباره شیوه زندگی مردم اصفهان بر اساس تجربه زیسته شان این است که در توانمندی، ارتقاء قدرت دفاعی خودشان را جستجو می کنند. آدم هایی هستند که بیشتر دنبال توانمندسازی برای ارتقا قدرت دفاعی هستند. به خصوص در گروه های نخستین و به همین خاطر این ها اطلاعات لازم را مبادله نمی کنند، یعنی خیلی راحت اطلاعاتشان را به کسی نمی دهند. یعنی ما در همین مصاحبه ها احساس کردیم که این امر وجود دارد. پس عدم



یکی از بحث‌های دیگر درباره شیوه زندگی مردم اصفهان بر اساس تجربه زیسته‌شان این است که در توانمندی، ارتقاء قدرت دفاعی خودشان را جستجو می‌کنند. آدم‌هایی هستند که بیشتر دنبال توانمندسازی برای ارتقاء قدرت دفاعی هستند. به خصوص در گروه‌های نخستین و به همین خاطر این‌ها اطلاعات لازم را مبادله نمی‌کنند، یعنی خیلی راحت اطلاعاتشان را به کسی نمی‌دهند.

مبادله کافی اطلاعات بین فردی و گروهی در اصفهان زیاد هست. عدم اقبال کافی از تحولات بیرون اصفهان. کسانی که از بیرون می‌خواهند تغییرات در اصفهان را ایجاد کنند. به همین خاطر شاید مدیران خارج از استان را خیلی نمی‌پذیرند. یعنی خیلی به آن علاقه‌مند نیستند، خیلی با آن راحت نیستند. خیلی علاقه‌مندند از خودشان مدیران را انتخاب کنند. برخلاف شیرازی‌ها که خیلی مردم حساسیت این‌چنینی ندارند و یکی اینکه ملاحظات اقتصادی به نفع فردی و گروهی به همین خاطر در گروه‌های نخستین اتفاق می‌افتد و این ملاحظات اقتصادی باعث می‌شود که حتی در حوزه سلامت، چندان اقبالی به الگوهای هزینه‌بر وجود نداشته باشد. پس به همین خاطر در برنامه‌ریزی‌هایی که به نظر من در اصفهان انجام می‌شود باید مقاومت در مقابل تغییر را ملاحظه کرد. برنامه‌ی از قبل تعیین‌شده کاربرد ندارد. برنامه باید حتماً با

من فکر می‌کنم زیست جهان اصفهانی‌ها خیلی پیچیده است، چون سخت می‌شود به آن وارد شد. لذا اگر توجه کنید می‌بینید خیلی آدم‌ها تفاوتی از همدیگر ندارند، یعنی اجازه ندادند شما ورود پیدا کنید البته تحقیقات کمی شرایط را مصنوعی می‌کند و مقاومت در مقابل تغییر باعث شده تحقیقات کمی خیلی قابل‌شناسایی برای اصفهان نباشد. در تحقیقات کیفی اطلاعات زیادتری به دست آورده‌ایم.

و مقاومت در مقابل تغییر باعث شده تحقیقات کمی معنادار و قابل‌شناسایی برای اصفهان چندان نداشته باشیم. در تحقیقات کیفی اطلاعات زیادتری به دست آورده‌ایم. یک مختصات دیگری که در شیوه زندگی اصفهانی‌ها وجود دارد این است که اصفهانی‌ها در ساخت‌وساز سبک زندگی جدید مشارکت نمی‌کنند. یعنی بیشتر نگاهشان این است که حفظ کنند. می‌خواهد، سبک زندگی مذهبی باشد، سنتی باشد، هرچه باشد می‌خواهند حفظ کنند و ورود به ساخت‌وساز جدید نمی‌کند، این یک حسن و یک عیب هم دارد. حسنش این است که به گذشته‌شان، به تاریخشان مقیدند. ولی عیبی که وجود دارد این است که اگر یک هجمه‌ای از تغییر مخصوصاً در فضاهای رسانه‌ای برای نسل جدید اتفاق بیفتد ممکن است نسل جدید آمادگی انطباق توأم با تغییر را نداشته نباشد. ممکن است از هم دررفتگی در این سیستم اتفاق بیفتد. یعنی یک جابجایی یا دررفتگی فرهنگی به وجود بیاید. یعنی تغییرات جهانی دارد با یک شدت و حدت فراوانی به سیستم‌های اجتماعی ورود پیدا می‌کند و اگر سیستم اصفهان با تغییر عادت نکند، اگر با تغییر همگام نباشد ممکن است تغییر آن قدر فزاینده

یکی هم تفکر زیست جهان اصفهانی‌ها که دوقطبی هست، مثل «من و دیگری» هست که باید خیلی ملاحظه بکنیم؛ واقعاً نمی‌شود به‌آسانی آن را شکست. شاید هم اگر فرصت باشد نباید شکستش؛ نباید به همه‌چیز به‌عنوان تهدید نگاه کرد. خیلی موارد فرصت است. باید به‌عنوان فرصت به آن نگاه کرد و همین باعث شده که وقتی شیراز را مقایسه می‌کنیم با اصفهان، بگویند اصفهان وضعیتش بهتر از شیراز است. یعنی از لحاظ توسعه بهتر است، از نظر انسجام اجتماعی بهتر است. این‌ها توجه ندارند که ما اصلاً قابل‌مقایسه با اصفهان نیستیم یعنی سبک‌های زندگی در اصفهان با شیرازی‌ها فرق می‌کند ولی این مقایسه‌ها را متأسفانه انجام می‌دهند و باعث می‌شود خیلی از مدیران شیراز هم احساس حقارت کنند و از خیلی فرصت‌های شیراز هم استفاده نکنند. چون آنجا فرصت‌های دیگری وجود دارد اینجا یک فرصت‌های دیگری. پس به همین خاطر من فکر می‌کنم زیست جهان اصفهانی‌ها خیلی پیچیده است، چون سخت می‌شود به آن وارد شد. لذا اگر توجه کنید می‌بینید خیلی آدم‌ها تفاوتی از همدیگر ندارند، یعنی اجازه ندادند شما ورود پیدا کنید البته تحقیقات کمی شرایط را مصنوعی می‌کند

مشارکت گروه‌های هدف انجام بشود که من پیشنهاد اقدام‌پژوهی را می‌دهم. برای تحقیقات بعدی، تحقیقات اقدامی را فکر می‌کنم برای تغییرات در اصفهان راهگشا تر باشد. چون دوستان حتماً در سبک زندگی دنبال تغییر هستیم. یعنی خودش از جنس تغییر است ما هم از جنس تغییر باید باشیم. اگر از جنس تثبیت باشیم چیزی نیست. به همین خاطر من فکر می‌کنم شهرداری اصفهان نباید دنبال این باشد که بگوید من می‌خواهم این شرایط را برای مردم اصفهان ایجاد کنم. اصلاً خطرناک است. چون یک قانون عام است که اصلاً با سبک زندگی هماهنگ نیست. ممکن است در شیوه زندگی، تئوری و نظریه‌ای را برای خودشان ایجاد کنند بگویند من در این چارچوب می‌خواهم با مردم اصفهان برخورد کنم ولی در سبک زندگی نباید شهرداری اصفهان بیاید یک قاعده عام را برای زندگی مردم اصفهان بیاورد. مگر اینکه بگوید برای نوجوانان، برای زنان، برای مناطق، برای گروه‌های جنسی این برنامه‌ها را می‌خواهم اجرا کنم. حالا این برنامه‌ها چون از نوع تغییر با مشارکت خود افراد است، [ممکن است] این تغییر را بپذیرند و گرنه در اثر بیرون‌روی آنها قدرت زیادی برای تغییر نداریم.



ما در شهرداری باید به چارچوب نظری سبک زندگی توجه کنیم، یعنی ببینیم اصلاً داریم چه کار می‌کنیم؟ بی‌گدار به آب نزنیم به خاطر اینکه هدایت سبک زندگی توسط شیوه زندگی و نظریه است.

این صورت‌بندی اجتماعی از کجا آمده، با چه پیشینه تاریخی به دست ما رسیده؟ در بحث گرایش‌های عمومی یک مقدار باید تعمق زیادتری داشته باشیم. ببینید همان فردگرایی که من توضیح دادم، فردگرایی در بحث گویه‌های مربوط به دینداری هم هست گویه‌های دینداری که حالت فردی دارد، افراد خیلی قوی هستند. ولی گویه‌های دینداری که می‌آید اجتماعیات را برمی‌تابد این‌ها متأسفانه ضعیف‌اند. من برای مبنای شیوه زندگی اصفهانی‌ها راهکاری ندارم. یعنی شما یک چارچوب بگذارید جلوی پیش می‌رود آن قسمتی که به خودش می‌خورد و توانایی فردی گروه‌های نخستین را زیاد می‌کند، می‌رود انتخاب می‌کند. در این قسمت یک مقداری آنجاهایی که افراد انتخاب می‌کنند در مسائل فردی‌شان، توانایی روحی، توانایی روانی و توانایی ارتباطی را ایجاد می‌کند و این‌ها قوی‌اند. ولی وقتی یک‌جاهایی که برای نظام سازی جامعه اسلامی ضرورت دارد که مردم اقبال کنند، اینجاها می‌بینیم یک مقدار دچار مشکلیم که باید تعمق فراوان‌تری روی آن انجام بدهیم. به نظر من واقعاً شیوه زندگی اصفهانی‌ها قابل تأمل است.

فکر می‌کنم یک مقدار مردم اصفهان با توجه به شیوه زندگی که من گفتم بیشتر دچار کمک

هست که در اصفهان اتفاق افتاده است. ولی ما می‌خواهیم چه کار کنیم با این اعتماد و با این سرمایه؟ می‌خواهیم اضافه‌اش کنیم؟ از چه طریق؟ کدام بستر در اصفهان وجود دارد که می‌خواهیم اعتماد اجتماعی را زیاد کنیم؟ یعنی با کدام نظریه می‌خواهیم این کار را بکنیم؟ کدام استراتژی در اصفهان دارد همگام عمل می‌کند که من می‌خواهم سرمایه اجتماعی را زیاد کنم؟ چه بسا شما یک کاری می‌کنید که گروه‌بندی را فلج می‌کنید.

من معتقدم که آن چارچوب نظری در شیوه زندگی اصفهانی‌ها خیلی مهم است که بعد بتوانیم طرح سبک زندگی را در مدل‌ها ترسیم کنیم. چون شیوه زندگی نظریه است، ولی سبک زندگی مدل است. مدل تنوع دارد، تکثر دارد، قابل‌تغییر است؛ ولی شیوه زندگی به‌آسانی قابل‌تغییر نیست. چون شیوه زندگی اساساً یک خصیصه تمدنی دارد. این با تاریخ زیسته، با مکان در ارتباط است. به همین خاطر شیوه زندگی یک صورت‌بندی اجتماعی برای اصفهان درست کرده که ما نمی‌توانیم بدون آن در سبک زندگی دخالت کنیم و من تشویق می‌کنم که دوستان ابتدا صورت‌بندی اجتماعی اصفهان را استخراج کنند. یعنی این را به دست بیاورند که ما با چه صورت‌بندی اجتماعی روبرو هستیم و

باشد که سیستم را دچار یک دررفتگی فرهنگی کند و این را هم باید مواظبت کنیم.

البته در این گروه‌بندی‌های اجتماعی که من دقت می‌کردم دیدم دو گروه‌بندی اجتماعی دارد از تغییر استقبال می‌کند، یکی زنان میان‌سال اصفهان و دیگری پسران نوجوان اصفهان هستند. ولی چرا این‌طوری است؟ من نمی‌دانم. زنان میان‌سال و پسران نوجوان در بیشتر داده‌های ما تفاوت دارند حتی بعضی جاها تفاوتشان معنا دارد. حتی در تحقیقات کیفی هم زنان میان‌سال خیلی علاقه‌مند به حضور، زیبایی، مشارکت هستند؛ حتی برای پسران نوجوان هم همین اتفاق دارد می‌افتد.

من فکر می‌کنم ما در شهرداری باید به چارچوب نظری سبک زندگی توجه کنیم، یعنی ببینیم اصلاً داریم چه کار می‌کنیم؟ بی‌گدار به آب نزنیم به خاطر اینکه هدایت سبک زندگی توسط شیوه زندگی و نظریه است. مثلاً شما اگر یک اثبات‌گرا باشید، یک مثلاً لیبرالیست باشید، وقتی می‌آیید می‌گویید چرا اعتماد اجتماعی در اصفهان کم است. می‌گویید خب این عارض به‌نظام اجتماعی اصفهان است. چرا سرمایه اجتماعی کم است؟ خب بروید کار کنید. بروید آموزش بدهید. ممکن است کسی بگوید مردم اصفهان دچار (از خود) بیگانگی شده‌اند یا این حاصل سلطه

شیوه زندگی نظریه است، ولی سبک زندگی مدل است. مدل تنوع دارد، تکثر دارد، قابل تغییر است؛ ولی شیوه زندگی به آسانی قابل تغییر نیست. چون شیوه زندگی اساساً یک خصیصه تمدنی دارد. این با تاریخ زیسته، با مکان در ارتباط است. به همین خاطر شیوه زندگی یک صورت‌بندی اجتماعی برای اصفهان درست کرده که ما نمی‌توانیم بدون آن در سبک زندگی دخالت کنیم.



مردم اصفهان با توجه به شیوه زندگی بیشتر دچار کمک به خود هستند تا خودسازمان‌گر. سازماندهی خود یعنی شما می‌آیید خودتان را در خدمت یک سازمان بزرگتر قرار می‌دهید، ولی در کمک به خود بیشتر خودت را در خدمت خودت و یا افرادت قرار می‌دهی

به خود هستند تا خودسازمان‌گر. سازماندهی خود یعنی شما می‌آیید خودتان را در خدمت یک سازمان بزرگتر قرار می‌دهید، ولی در کمک به خود بیشتر خودت را در خدمت خودت و یا افرادت قرار می‌دهی. به نظر می‌رسد جامعه ایران مخصوصاً بعد از انقلاب که چون نظریه‌پردازی در آن اتفاق نیفتاده، بستر جامعه ایران، بستر خیلی قوی‌ای نیست. چون بستر جامعه ایران قوی نیست، مردم و گروه‌بندی‌های اجتماعی فعال‌اند. وقتی مردم و گروه‌بندی‌های اجتماعی فعال باشند، عنصر ساخت‌وسازهای مردم خیلی فعال است. انسان‌ها با اختیار و انتخاب زیاد، دارند کار می‌کنند و به همین خاطر خلاقیت در ساخت‌وسازهای ایران خیلی فراوان است. هرچقدر خلاقیت زیادت‌ر باشد تحول‌خواهی در نظام خیلی فراوان می‌شود. تحول‌خواهی که فراوان باشد پایداری سیستم خیلی کم است. در نتیجه بستر اجتماعی مرتباً دستخوش

استفاده از نظریه اشکال ندارد که ببینید بقیه چه می‌گویند ولی اگر خواستید از مدل استفاده کنید بدون توجه به شیوه زندگی اصفهانی‌ها به نظر من مدل‌ها کارایی لازم را برای مردم اصفهان ندارد. اگر کسی چرایی را بخواهد جواب بدهد بدون توجه به شیوه زندگی نمی‌تواند این کار را انجام بدهد. چون شیوه زندگی است که جواب «چرا» و «چگونه» را می‌دهد. و تحقیقات ما فقط به «چه» جواب می‌دهد.



جامعه نداریم افراد و گروه‌هایی که از منظر قدرت و در منصب قدرت قرار می‌گیرند از تجربه‌های زیستی خودشان استفاده می‌کنند و یک چارچوب درست می‌کنند و به سیستم اعمال می‌کنند، چون سیستم این را قبول نمی‌کند و پس می‌زنند، به همین خاطر سیستم دچار دررفتگی نظری است و هرچه این سیستم از هم دررفتگی نظری را بیشتر تجربه کند ناپایداری سیستم رو به افزایش خواهد بود. به همین لحاظ هست که این تحقیق اگر در مراحل بعدی خودش یعنی گذاشتن این مطالب در یک فریم نظری متأثر از شیوه زندگی اصفهانی‌ها قرار نگیرد به نظر من این پژوهش‌ها خیلی حرف جدی نمی‌تواند بزنند.

به «چه» جواب می‌دهد. مشکل ما این است که کارهای توصیفی را می‌گذاریم در تجربیات ذهنی خودمان و می‌خواهیم جواب چرایی و چگونگی‌اش دربیاید. این خطرناک است. و این برنامه‌ها اجرایی نشده. مثلاً شما برنامه‌های بعد از انقلاب را نگاه کنید. هر برنامه‌ای بعد از انقلاب نزدیک ۸۰ درصد اجرایی نشده. خود من یک تحقیقی کردم درباره برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی بعد از انقلاب که یک کتاب شده با عنوان «ارزیابی پارادایمی برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی جمهوری اسلامی» و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه چاپش کرده. یکی از مشکلات اساسی ما این است که به علت اینکه نظریه و چارچوب و فریم نظری برای اداره

تغییرات ناشی از حوزه فرهنگ قرار می‌گیرد و در این جامعه آنارشی و هرج و مرج زمینه ظهور پیدا می‌کند. و قطعاً جامعه اصفهان هم از این تحلیل جدا نیست. ولی جامعه اصفهان چون خودش هم در درون خودش انتقال گسسته داشته، با این آنارشیسم سازگاری زیادتری پیدا کرده و به نظر من خیلی بیشتر از جامعه ایران سازگار است. برای کسانی که می‌خواهند خط‌مشی‌گذاری کنند برای جایی مثل اصفهان اگر به این شیوه زندگی توجه زیاد کنند هر برنامه‌ای برای مدیریت سبک زندگی اصفهان کارایی لازم را ندارد و ما خیلی نمی‌توانیم از برنامه‌های دیگران اقتباس و الگوبرداری کنیم. برای همین خواهش می‌کنم دوستانی که دارند در حوزه فرهنگ به خصوص آن قسمتی که مربوط به شهرداری هست کار می‌کنند، خیلی دنبال الگوگیری از منابع درسی، کتابی و منابعی که در کشورهای دیگر انجام شده، حتی در استان‌های دیگر انجام شده، نباشند.

استفاده از] نظریه اشکال ندارد که ببینید بقیه چه می‌گویند ولی اگر خواستید از مدل استفاده کنید بدون توجه به شیوه زندگی اصفهانی‌ها به نظر من مدل‌ها کارایی لازم را برای مردم اصفهان ندارد. اگر کسی چرایی را بخواهد جواب بدهد بدون توجه به شیوه زندگی نمی‌تواند این کار را انجام بدهد. چون شیوه زندگی است که جواب «چرا» و «چگونه» را می‌دهد. و تحقیقات ما فقط

پرونده

رویدادهای شهری و شهر رویدادگرا



نقش جشنواره‌ها و رویدادهای فرهنگی در توسعه راهبردی شهرها

هر جشنواره‌ای ویژگی‌های منحصر به فرد خود را دارد و همین امر باعث می‌شود که نتوان هیچ قالب استاندارد را برای آن‌ها تعریف کرد. در واقع مهم نیست که علت برگزاری یک رویداد چه باشد بلکه مهم شرکت‌کنندگانی هستند که هریک انتظارات خاص خود را از جشنواره دارند.



▲ هریک از شرکت‌کنندگان در جشنواره‌ها انتظارات خود را دارند

استانداری را برای آن‌ها تعریف کرد. در واقع مهم نیست که علت برگزاری یک رویداد چه باشد بلکه مهم شرکت‌کنندگانی هستند که هریک انتظارات خاص خود را از جشنواره دارند. بسیار مهم است که در نظر داشته باشیم برگزاری جشنواره‌ها تأثیرات بسیار چشمگیری را به‌ویژه بر اقتصاد، جامعه، فرهنگ و همچنین آینده شهر

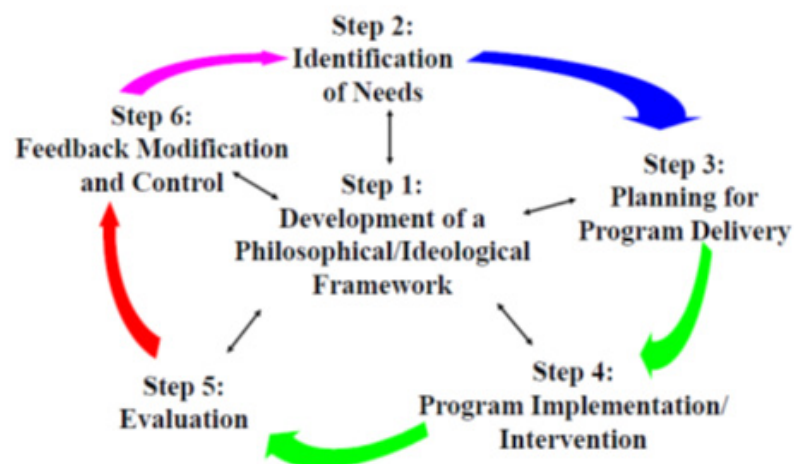
رونق مکان برگزاری را به دنبال خواهد داشت که البته به شرط اجرای خوب، خوشنامی شهر میزبان و در غیر این صورت تأثیری عکس داشته و تصویر ناخوشایندی از مکان اجرای جشنواره را در اذهان باقی خواهد گذاشت.

هر جشنواره‌ای ویژگی‌های منحصر به فرد خود را دارد و همین امر باعث می‌شود که نتوان هیچ قالب

در اوایل دهه ۱۹۹۰ برگزاری جشنواره‌ها و رویدادهای فرهنگی مورد توجه قرار گرفت تا جایی که امروزه شاهد رونق و استقبال گرم از این قبیل رویدادها در سطوح بین‌المللی، ملی و البته محلی هستیم.

برگزاری جشنواره‌ها که می‌توان از آنها به‌عنوان ژانر جدیدی از صنعت گردشگری یاد کرد، در وهله اول

نوشته روکساندرا پوپسکو و رازوان آندری کوربوش
ترجمه الهه سیف‌الدین / ایمن



از نیازهای سازمانی گرفته تا خواست توریست‌ها، عموم (بازدیدکنندگان) و البته شرکت‌کنندگان را در برخواهد داشت. مرحله شناسایی نیازها می‌تواند نتایجی استثنایی را به همراه داشته باشد و اگر «خوب» انجام شود، تمام افراد می‌توانند شاهد نتیجه دلپذیر فعالیت خود باشند.

مرحله سوم می‌تواند به‌طور مستقیم توسط شرکتی که این رویداد را سازمان‌دهی می‌کند و یا توسط یک پیمانکار انجام شود. مهم این است نیازهای از پیش تعیین‌شده به شیوه‌ای هدفمند از ایده جشنواره تا انتظارات طرفین را لحاظ کند.

همچنین جشنواره‌ها، باید بر مرحله ۳ و ۴ نیز تمرکز داشته باشند؛ اجرا و پیاده‌سازی رویداد. این دو

میزبان خواهد داشت.

برای مثال اگر برگزاری جشنواره به‌درستی انجام نگردد و گردشگران و همچنین شرکت‌کنندگان تجربه رضایت بخشی را کسب نکرده باشند، قطعاً برای دفعات بعدی در این جشنواره شرکت نخواهند کرد و اینجاست که حفظ وجهه اجتماعی و بازگشتن به موقعیت قبلی برای شهر میزبان سخت‌تر از هر موقع دیگری خواهد بود.

بنابراین برگزاری هر رویدادی نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و در نظر گرفتن تمامی جوانب است به‌گونه‌ای که برای هر سلیقه‌ای لذت‌بخش باشد.

برای تأثیرگذاری هرچه بیشتر و کسب نتایج بهتر، برگزارکنندگان جشنواره‌ها باید توجه بیشتری به ترتیب منطقی برگزاری رویداد داشته باشند؛ تنها در این صورت جشنواره به نحو احسن و البته با رضایت کامل شرکت‌کنندگان انجام خواهد گرفت.

۱. تعریف یک چارچوب منطقی و ایدئولوژیک

۲. شناسایی نیازها

۳. برنامه‌ریزی برای چگونگی اجرا

۴. پیاده‌سازی برنامه

۵. ارزیابی

۶. بازخورد، اصلاحات موردنیاز و مدیریت

برای یک پیشرفت خوب، باید به گام دوم توجه بیشتری داشت؛ شناسایی نیازها. این مرحله درواقع

برای تأثیرگذاری هرچه بیشتر و کسب نتایج بهتر، برگزارکنندگان جشنواره‌ها باید توجه بیشتری به ترتیب منطقی برگزاری رویداد داشته باشند؛ تنها در این صورت جشنواره به نحو احسن و البته با رضایت کامل شرکت‌کنندگان انجام خواهد گرفت.

نیازهای سازمانی	نیازهای گردشگران و عموم بازدیدکنندگان	نیازهای شرکت‌کنندگان
- افزایش تعداد گردشگران و بازدیدکنندگان در طول اجرای فستیوال - افزایش سود - بازده مورد انتظار - معرفی فستیوال به صحنه‌های جدید بین‌المللی - ارائه جاذبه‌های جدید برای تماشاگران	- حضور در یک فستیوال / رویداد / رقابت با کیفیت - حضور در یک محیط رقابتی / حرفه‌ای در خور موسیقی - فراهم آوردن یک محیط مناسب برای یک رویداد موسیقی - فراهم آوردن جوایز شایسته	- برطرف کردن نیازهای فرهنگی و موسیقایی - ترتیب امور در بازدید از نقاط معین توریستی شهر میزبان - شرکت در یک فستیوال با کیفیت

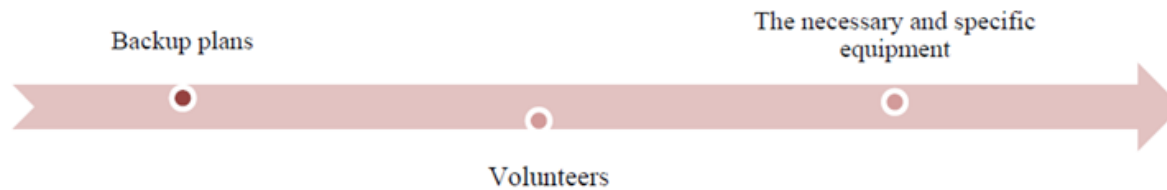


Fig. 13. Implementing a cultural event or festival

▲ اجرای یک رویداد یا جشنواره فرهنگی نیازمند تدارک طرح پشتیبان برای اتفاقات غیرمنتظره در جریان رویداد، به کارگیری و سازماندهی داوطلبان و تهیه تمامی تجهیزات ویژه مورد نیاز در خلال برگزاری رویداد است

مهمی تلقی می‌شود. به عنوان مثال، مقامات محلی برای برگزاری جشنواره موسیقی انسکو Enescu در ۲۰۱۱ در رومانی، به علت عملکرد نامناسبشان مورد انتقاد قرار گرفته‌اند چراکه مکان اجرای نمایش به اندازه کافی بزرگ نبود و ظرفیت حضور گروه‌های ارکسترهای بزرگ مدعو از لندن، پاریس و لیورپول را نداشت. پالاس هال تنها مکانی در بخارست که می‌توانست میزبان یک ارکستر بزرگ باشد نیز به علت نامناسب بودن وضع تهویه هوا، وجود گرد و خاک و همچنین فضای قدیمی و غیر مدرنش و البته آکوستیک نامناسب کنار گذاشته شد. جشنواره‌هایی که در شهرهای رومانی و به‌ویژه در پایتخت برگزار می‌شوند، باید به تأثیرات اقتصادی و منافع آن بر گردشگری توجه داشته باشند.

یک راه برای بهبود شرایط جشنواره، ارائه خدمات با کیفیت، افزایش رضایت عمومی و شرکت‌کنندگان، کاهش هزینه‌ها، افزایش سود و غیره می‌باشد. با رعایت این جوانب، جشنواره طرفداران جدیدی

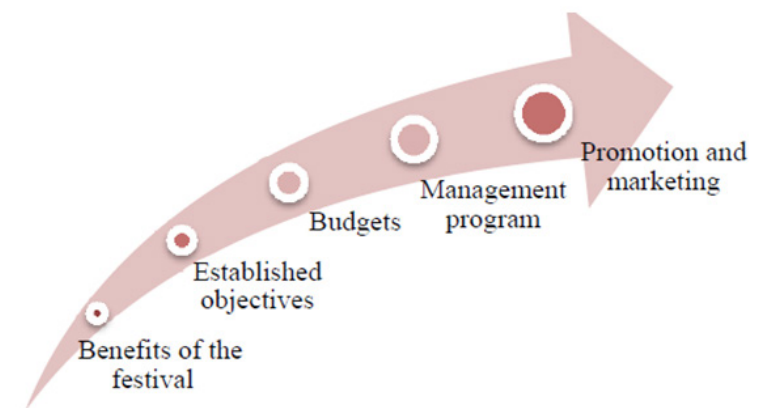
داشته باشند. طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی رویدادها دو فرآیند بسیار دشوار است که موفقیت یا شکست رویداد به آن‌ها بستگی کامل دارد. به همین دلیل است که این دو باید توسط تیمی از کارشناسان خبره یا یک شرکت مشاوره سازمان‌دهی شود به‌طوری‌که نتیجه نهایی با نوع و اهداف جشنواره مطابقت داشته باشد.

مرحله ۴: پیاده‌سازی هر رویداد به معنای عملی کردن برنامه‌ریزی‌ها است. این مرحله باید شامل موارد زیر باشد: طرح پشتیبانی، گروه داوطلبان، تجهیزات لازم و خاص. توصیه می‌شود که گروه داوطلبان همان افراد حاضر در دوره‌های قبلی باشند، به این ترتیب از هرگونه ابهامات و سوءتفاهم در طول اجرای این جشنواره کاسته خواهد شد و برنامه‌ریزی و عملکرد واقعی بهتر خواهد شد. هر داوطلب باید از نقش و مسئولیت‌هایش نیز آگاهی داشته باشد. برای برگزاری یک جشنواره به‌یادماندنی برای عموم و شرکت‌کنندگان در اختیار داشتن ابزار مناسب، امر

مرحله در موفقیت و یا شکست یک فستیوال نقشی کلیدی را ایفا می‌کنند.

حتی اگر مرحله برنامه‌ریزی بدون عیب و نقص پیش برود، اجرای برنامه باید بر اساس برنامه‌ای اولیه بدون اعمال تغییرات و اصلاحات در طول رویداد صورت بگیرد.

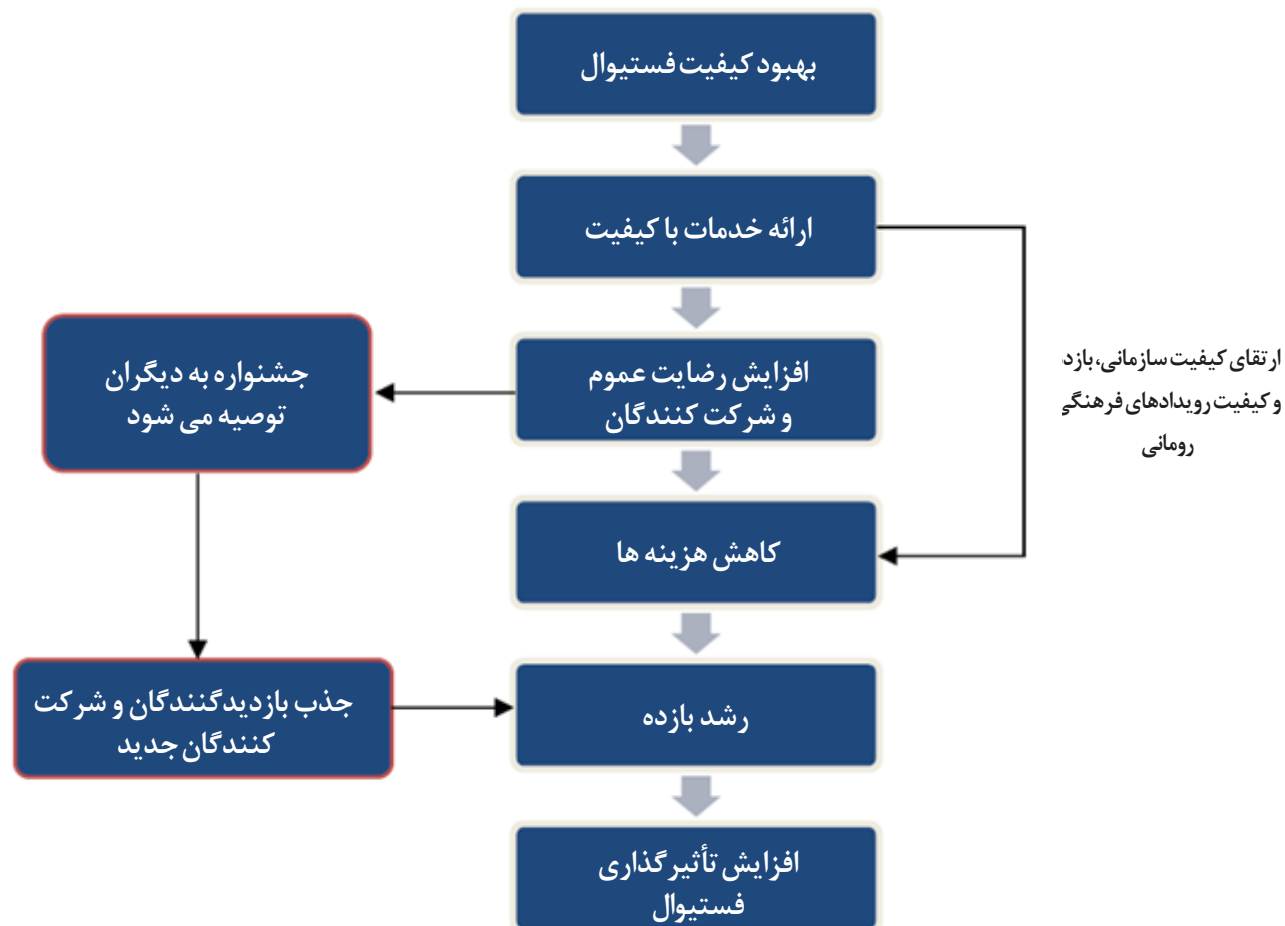
برای هر فستیوالی مهم است که برنامه‌های مدرن و جذابی ارائه شود، به‌طوری‌که همه مردم راضی و مایل به حضور در دوره‌های بعدی شوند. با توجه به مرحله سوم، افرادی که جشنواره فرهنگی را برنامه‌ریزی می‌کنند باید منافع جشنواره، اهداف تعیین‌شده (تعداد تماشاچیان/ شرکت‌کنندگان، برآورده کردن علاقه و انتظار مردم برای فرهنگ، سطح معینی از سود و غیره)، بودجه، برنامه‌های مدیریتی، تبلیغات و بازاریابی و غیره را نیز در نظر



▲ برنامه‌ریزی یک رویداد فرهنگی شامل شناسایی فواید جشنواره، تدوین اهداف، برآورد بودجه، برنامه مدیریتی و در انتها تبلیغ و بازاریابی است

حتی اگر مرحله برنامه‌ریزی بدون عیب و نقص پیش برود، اجرای برنامه باید بر اساس برنامه‌ای اولیه بدون اعمال تغییرات و اصلاحات در طول رویداد صورت بگیرد.

بهبود سازماندهی، سودمندی و کیفیت جشنواره های فرهنگی رومانی



مقامات محلی برای برگزاری جشنواره موسیقی انسکو در ۲۰۱۱ در رومانی، به علت عملکرد نامناسبشان مورد انتقاد قرار گرفته‌اند چرا که مکان اجرای نمایش به اندازه کافی بزرگ نبود و ظرفیت حضور گروه‌های ارکسترهای بزرگ مدعو از لندن، پاریس و لیورپول را نداشت. پالاس حال تنها مکانی در بخارست که می‌توانست میزبان یک ارکستر بزرگ باشد نیز به علت نامناسب بودن وضع تهویه هوا، وجود گرد و خاک و همچنین فضای قدیمی و غیر مدرنش و البته آکوستیک نامناسب کنار گذاشته شد



▲ جشنواره شهری ورزش‌های اکستریم، دوی ۲۰۱۵

CNN، یک کمپین آنلاین تشکیل شد که به مدت ۹ هفته از ابتدای ۲۵ مارس ۲۰۱۱، ایستگاه تلویزیونی یورونیوز، ۱۴ بار در هفته این تبلیغات را به نمایش گذاشت. برنامه‌های تلویزیونی «Rendez-vous» و «Le mag» نیز معرفی و ویدئوهای را این برنامه داشتند.

روش دیگری برای تبلیغ هر جشنواره همکاری با آژانس‌های گردشگری خارج از کشور است که می‌توانند از طریق ارائه تورهای جذاب در قالب جشنواره نقش بسزایی را در تبلیغات داشته باشند. گردشگران خارجی از این قبیل تورها استقبال خواهند کرد چرا که در کنار آشنایی با فرهنگ، به بطن واقعی یک شهر وارد و با جنبه‌های ناشناخته آن روبرو می‌شوند.

(نیویورک)، پرتغال و آلمان نام برد. همزمان با اجرای کنسرت‌ها در این جشنواره، نهاد فرهنگی رومانی، نمایشگاه‌هایی از وسایل شخصی جورج انسکو و کلاس‌های روبازی برای دانش آموزان آموزشگاه‌های هنرهای زیبا که اهل شهرهای میزبان رویدادهای موسیقی بودند، برگزار کرد.

همچنین، مهمترین ایستگاه‌های تلویزیونی خارجی به تبلیغ این رویداد کمک کردند و با توجه به اظهارات برگزارکنندگان جشنواره انسکو در دوره ۱ نوامبر ۲۰۱۰ تا ۶ فوریه ۲۰۱۱، پوشش کامل این رویداد معتبر توسط تیزرهای شبکه CNN انجام شد که کل اروپا، خاورمیانه و آفریقا را پوشش می‌داد. علاوه بر این، از طریق آگهی‌های تبلیغاتی در

پیدا خواهد کرد و هر روز به تعداد افراد جدیدی که خواهان حضور در فستیوال هستند اضافه خواهد شد و این گونه یک جشنواره محبوب می‌شود.

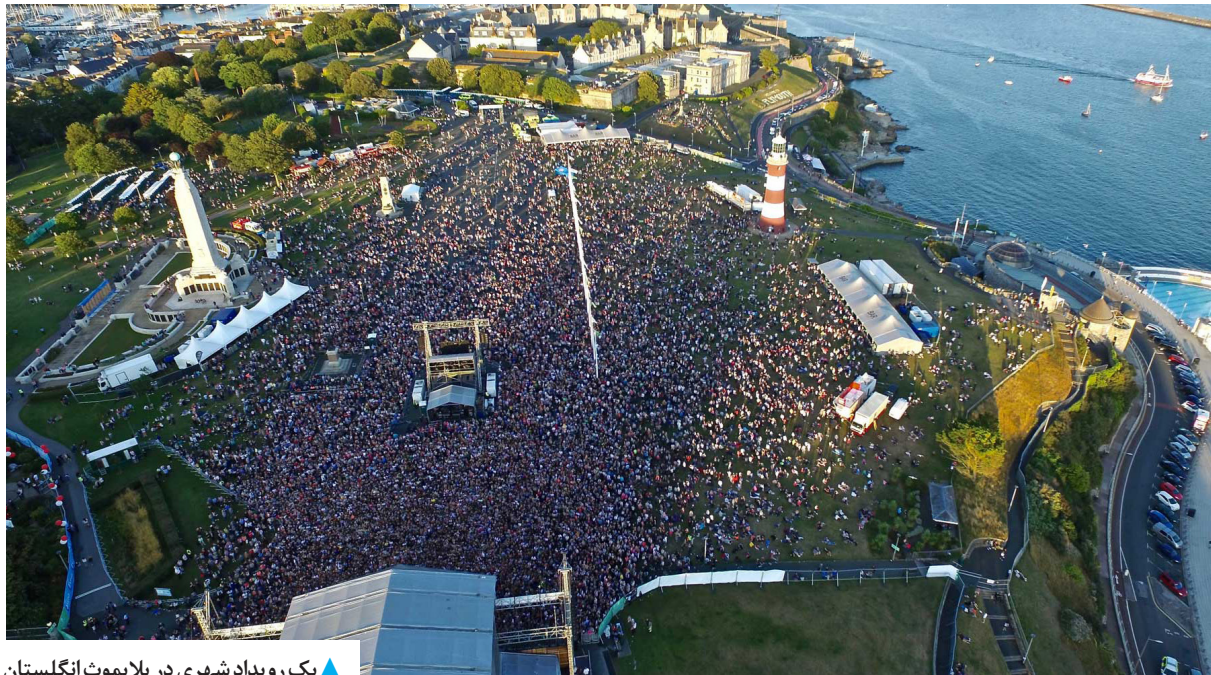
توصیه پایانی در مورد سازمان‌دهی یک جشنواره یا رویداد فرهنگی، تبلیغ جشنواره در خارج از کشور است. چنین تبلیغات رسانه‌ای باید شامل برنامه‌های تلویزیون، پوسترها و مقالات در مطبوعات چاپی و همچنین آنلاین (در سایت‌های مختلف) باشد. به عنوان مثال جشنواره «جورج انسکو» از طریق یک تور بین‌المللی گسترده که توسط نهاد فرهنگی رومانی حمایت می‌شد، تبلیغات وسیعی کرد.

در میان کشورهایی که تا به حال میزبان رویدادهای فرهنگی بسیاری بوده‌اند می‌توان از: بلژیک، هلند، لوکزامبورگ، ایتالیا (ونیز، ورونا، تورینو و رم)، آمریکا



بازنگری در مفهوم «شهر رویدادگرا»

در سال ۲۰۱۰ بود که مفهوم «شهر رویدادگرا» توسط ریچاردز و پالمر مطرح شد. آن دو این اصطلاح را به معنای استفاده هوشمند و هدفمندانه از برنامه‌ها و رویدادها در جهت افزایش کیفیت زندگی برای تمام ساکنان شهر میزبان تعبیر کردند.



▲ یک رویداد شهری در پلایموث انگلستان

نوشته گرک ریچاردز استاد رویداد شهری و مکان سازی عمومی در دانشگاه علوم کاربردی برادای هلند برای نشریه مدیریت رویداد

ترجمه از احمدرضا جلوه نژاد و پگاه بهادران

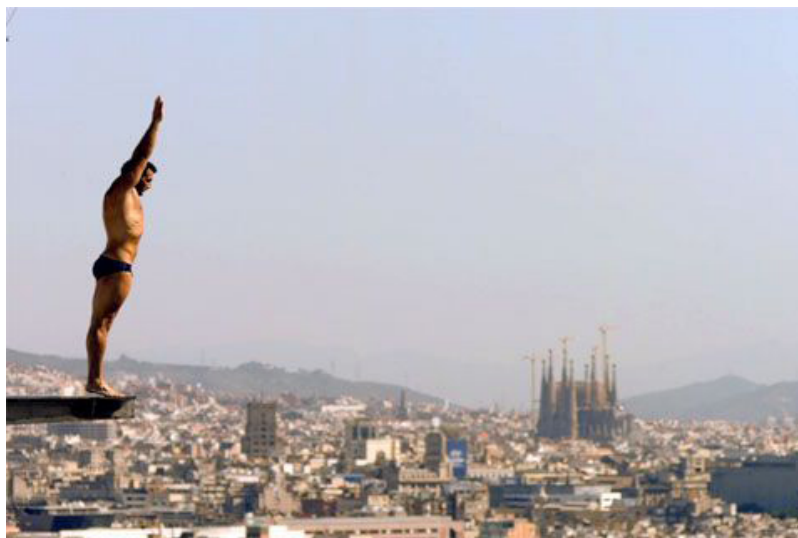
رویدادها نگاه می‌شود. چگونگی، طول مدت و محتوای رویدادها به‌طور چشمگیری تحت تأثیر فضای شهر میزبان، مکان و فرآیندها قرار می‌گیرد. برای اولین بار در سال ۲۰۱۰ بود که مفهوم «شهر رویدادگرا» توسط ریچاردز و پالمر مطرح شد. آن دو

توسعه بافت شهری اشاره کرد. اهمیت روزافزون و گستردگی فعالیت‌های این رویدادها و رخدادها، تغییرات سریعی را در شهرها سبب می‌شود. شهرها صرفاً به‌عنوان محلی برای برگزاری رویدادها تلقی نمی‌شوند، بلکه به شهرها به‌عنوان یک خالق مشترک، نوآور، شکل‌دهنده، شریک و ذینفع در

اصطلاح «شهر رویدادگرا»، Eventful City به شهرهایی اطلاق می‌شود که به‌منظور دستیابی به گستره وسیعی از اهداف سازنده در جهت پیشرفت شهر، میزبان رویدادهای مختلفی می‌شوند. از جمله این اهداف می‌توان به رشد اقتصادی، معرفی شهر در سطح منطقه‌ای یا جهانی، انسجام اجتماعی و

این اصطلاح را به معنای استفاده هوشمند و هدفمندانه از برنامه‌ها و رویدادها در جهت افزایش کیفیت زندگی برای تمام ساکنان شهر میزبان تعبیر کردند.

از آن زمان تاکنون، حجم تحقیقات بر روی شهرها و رویدادها به‌طور چشمگیری افزایش پیدا کرده است که در این بین، توجه بیشتری به توسعه سیاست‌های رخداد شهری، شبکه ذی‌نفعان و سازوکارها و توسعه پورتفولیوی رخدادها می‌شود. همه این تحقیقات، اطلاعات زیادی در مورد نحوه عملکرد و توسعه شهرهای رویداد محور در اختیار ما قرار می‌دهد که حتی بعضی از آن‌ها نیز فرضیه‌های اولیه مفهوم شهر رویداد محور که نیازمند به اصلاح و بازنگری دارند را به چالش می‌کشد؛ همین مسئله هدف اصلی نشست تخصصی «بازنگری شهر رویداد محور؛ چشم‌اندازها، راه‌حل‌ها و دورنما» بود که توسط انجمن آموزش و تحقیقات گردشگری و تفریحات (ATLAS) در سال ۲۰۱۶ در بارسلونا برگزار شد. کمتر شهری توانسته بهتر از شهر بارسلونا، رابطه‌ی دوسویه میان شهرها و رویدادهایشان را به‌خوبی به تصویر بکشد. بارسلونا برای اولین بار در نمایشگاه‌های جهانی سال ۱۸۸۸ و ۱۹۲۹



▲ برگزاری المپیک ۱۹۹۲ در بارسلونا نگاه شهرهای جهان به مقوله رویدادهای شهری را دگرگون کرد

و سپس بازی‌های المپیک سال ۱۹۹۲، توانست رشد اقتصادی، توسعه فرهنگی و اجتماعی و البته شهرت جهانی خود را از طریق برگزاری رویدادهای فرهنگی برای خود رقم بزند. برای مثال در سال ۲۰۱۶، کنگره جهانی تلفن همراه در اسپانیا باعث جذب بیش از ۱۰۰ هزار بازدیدکننده به این شهر شد و به همین خاطر میزبانی این نشست تا هشت سال دیگر به این شهر واگذار شد؛ اکنون بارسلونا به‌عنوان مرکز رویدادهای جهانی شناخته می‌شود. لازم به ذکر است که این پیشرفت‌ها ثابت و بدون چالش نبوده‌اند. برای نمونه میزبانی اسپانیا برای المپیک گرچه رشد اقتصادی و ارتقای جایگاه بارسلونا در سطح بین‌الملل را به دنبال داشت اما موجب افزایش انتقادات از سوی شهروندان محلی شد. آنها نگران بودند که مبدا جهانی شدن بارسلونا منجر به از دست دادن هویت شهر شود، به همین دلیل یکی از سؤالات اساسی که در این نشست مطرح شد، این بود:

کمتر شهری توانسته بهتر از شهر بارسلونا، رابطه‌ی دوسویه میان شهرها و رویدادهایشان را به‌خوبی به تصویر بکشد. بارسلونا برای اولین بار در نمایشگاه‌های جهانی سال ۱۸۸۸ و ۱۹۲۹ و سپس بازی‌های المپیک سال ۱۹۹۲، توانست رشد اقتصادی، توسعه فرهنگی و اجتماعی و البته شهرت جهانی خود را از طریق برگزاری رویدادهای فرهنگی برای خود رقم بزند.

چند سال پیش، زمانی که مفهوم «شهر رویدادگرا» مطرح شد، تنها چند شهر در زمینه توسعه و مدیریت رویدادهای شهری و البته کسب نتایج مؤثر تجربه داشتند. اما در سالهای اخیر، تعداد شهرهای رویدادگرا با الگوهای متفاوت میزبانی، افزایش یافته که می توان با بررسی آنها چگونگی تأثیر برگزاری رویداد بر شهر و بالعکس را درک کرد.

و همچنین تخصص های علمی مختلف را به خود جلب کرده است. این موضوع با در نظر گرفتن طیف وسیعی از مقالات ارائه شده در نشست گروهی رویداد ATLAS در بارسلونا، کاملاً مشخص بود.

هدف نشست ATLAS بررسی توسعه شهرهای رویدادگرا چون بارسلونا بود، تا روندهای کنونی، دورنما و نیز ردیابی مسیرهای احتمالی توسعه آینده را تحلیل کنند. این نشست، اساتید دانشگاهی بین المللی پیشرو در حوزه رویدادهای شهری، که شامل اعضای قدیمی گروه رویداد ATLAS نیز می شدند را دور هم جمع کرد.

دانشگاه آزاد کاتالونیا در بارسلونا (UOC) میزبان این جلسه بود، و آنها در ابتدای رویداد، نطق آغازین را به «دان گتز» اختصاص دادند. خانم آلیا کولومبو (Alba Colombo) و تیمش از دانشگاه کاتالونیا نیز برنامه ریزی نشست ها را انجام دادند.

موضوعات پوشش داده شده در این نشست شامل طیفی از اندیشه های متنوع تئوریک در مورد شهرهای رویدادگرا گرفته تا مطالعاتی در مورد چگونه تهیه پورتفولیوی رخداد و مطالعات موردی رخدادهای شهری و تأثیرات آنها بر شهرهای میزبان را شامل می شد. گرگ ریچاردز (Greg

ارائه کرده است. او در مقاله «رویدادها و بازسازی شهری (۲۰۱۲)»، شیوه هایی که شهرها با استفاده از آنها به اهداف بازسازی خود دست پیدا می کنند را بررسی کرده است. او همچنین در مقاله «رویدادها در شهرها (۲۰۱۵)»، مشکلات احتمالی ناشی از استفاده روزافزون از پارک ها و دیگر مکان های عمومی برای برگزاری رویدادها را بررسی می کند. وین Wynn (۲۰۱۶) تحقیق وسیعی در مورد شهرهای میزبان انجام داده است و «جامعه شناسی فرصت ها» را به منظور تحلیل و بررسی ظهور شهرهای خواهرخوانده در حوزه موسیقی در ایالات متحده موشکافی می کند. او بر روی شهرهایی مثل نشویل، آستین، و نیوپورت که با رویدادهای موسیقی متحول شده اند، تمرکز می کند و فضاهای عمومی و خصوصی که رویدادهای عظیم در شهر از آنها بهره می برند را مشخص می کند: از قبیل دژهای روی تپه های بلند مشرف به بالای شهر، یا مکان های ویژه هسته مرکزی رخداد، و یا گذرهایی که برای رها کردن کاغذهای رنگی بر حصار در رژه های مراسم مناسب باشد.

این مطالب نشان می دهد که موضوع شهرهای رویدادگرا علاقه محققان زیادی از مناطق مختلف

آیا رویدادها به شهر خدمت می کنند یا شهر به رویدادها؟

چند سال پیش، زمانی که مفهوم «شهر رویدادگرا» مطرح شد، تنها چند شهر در زمینه توسعه و مدیریت رویدادهای شهری و البته کسب نتایج مؤثر تجربه داشتند. اما در سالهای اخیر، تعداد شهرهای رویدادگرا با الگوهای متفاوت میزبانی، افزایش یافته که می توان با بررسی آنها چگونگی تأثیر برگزاری رویداد بر شهر و بالعکس را درک کرد.

در نتیجه، تحقیقات بیشتر در ارتباط با تأثیر متقابل رویدادها و شهرهای میزبان صورت گرفت. تا به حال، در مورد بحث مدیریت رویدادها، مقاله های بسیاری نوشته شده است و موضوعاتی متفاوت چون تأثیر بازی های المپیک گرفته تا تأثیر رویدادهایی نظیر نمایشگاه سالانه انجمن اپتیک اروپا و یا فستیوال ساحلی سان شاین کوینزلند بر شهرهای میزبان، نقش جشن ها در کسب مزیت رقابتی در چین، برگزاری جشنواره های هنری در هنگ کنگ و از این دست تا به حال از جهات مختلف بررسی شده اند.

اسمیت (Smith) دو مقاله با موضوع بررسی جنبه های متفاوت روابط بین رویدادها و شهرها،



▲ یک رویداد شهری تابستانه در پارک سیتی یوتادر آمریکا

Richards) در تحقیق خود با عنوان «الگوهای در حال ظهور شهر رویداد مدار»، به مفهوم شهر رویدادگرا پرداخت و اینکه چگونه می‌توان به دستاوردهای جامع‌تری در خصوص برنامه‌ریزی و تدوین پورتفولیوی رویدادها رسید. این مطالعه سه مدل ایده‌آل روابط رویداد شهری را معین می‌کرد: سیاست رویداد محور، بخش محور و شبکه محور که اشاره به شهرهایی مثل ادینبورو و آنتورپ (رویداد مدار) (event-centric)، مونترال و روتردام (بخش محور)، و هرتوگنباخ و بارسلونا (شبکه محور) این موضوع را روشن می‌کند. هر کدام از این مدل‌های ایده‌آل ارتباط با یک نوع متفاوتی از ترتیبات دولتی را طلب می‌کند.

ولادیمیر آنتچاک (Vladimir Antchak) و توماس پرنکی (Tomas Pernecky) در بررسی‌های خود شهرهایی متفاوت از زلاندنو را در جهت تدوین طرح پورتفولیوی آنها مورد مقایسه قرار دادند. شهرهای اوکلند، ولینگتون، و داندین از نظر پارامترهای مختلف پورتفولیوی رویدادهایشان مثل اسلوب‌مندی، هدفمندی، جهت‌مندی، و اصلاح‌مندی بودنشان مقایسه شدند. آنها متوجه شدند که بستر (فرهنگی) شهرهای مختلف نقشی کلیدی در شکل دادن به رویکردهای پورتفولیو ایفا

می‌کنند. برای مثال، کوچک‌تر بودن داندین به این معناست که ویژگی جهت‌مندی در پورتفولیوی این شهر نسبت به دو شهر دیگر کم‌رنگ‌تر خواهد بود، (یعنی جهت‌گیری رویداد در این شهر به سمت بازار عرضه یا به سمت طرف تقاضا هیچ‌یک چندان جذاب نیست) و در مقایسه با شهرهای بزرگتر اوکلند و ولینگتون، فضای بیشتری برای دریافت و بهره‌گیری از دیدگاه‌های کاربردی اهالی شهر مهیاست.

آلبا کولومبو (Alba Colombo) در مقاله خود که دورنمای رویداد در بارسلونا را تحلیل کرد، ارتباط بین رویدادها و دستور کار سیاست شهری را در نظر گرفت. او نشان می‌دهد که رونق و تعدد رویدادها در شهر بارسلونا با بررسی ارتباط بین سیاست‌های شهری و بخش‌های خاص فعال در برگزاری رویدادها قابل‌درک است. مثلاً جشنواره موسیقی را در نظر بگیرید، او چگونگی تأثیر تغییرات در سیاست‌گذاری‌ها بر رابطه بین شهرداری بارسلونا و دو جشنواره بزرگ موسیقی را نشان می‌دهد. او بیان می‌کند که بارسلونا حال از رویکرد شهر فراگیر رویدادگرا فاصله گرفته و به سمت سیاست جشنواره‌هایی متمرکزتر پیش رفته است.

دان گتز (Don Getz) نیز تحلیلی از پایداری شهرهای رویدادگرا ارائه و تجاربی از کشور سوئد را مورد ملاحظه قرار داد. وی نشان داد که شهرها باید سلامت تمام افراد شرکت‌کننده در رویدادها را در نظر بگیرند و البته خود رویداد نیز باید در مسیر حفظ محیط‌زیست برنامه‌ریزی شود و نقش حمایتگری را در این رابطه ایفا کند. رشد پایدار و ارزش‌آفرینی باید به‌عنوان اهداف اصلی برگزاری فستیوال‌ها در نظر گرفته شود.

در پژوهش دیگری توسط ایلیا سیمونز (Simons Ilja) پایداری شیوه‌های برگزاری رویداد در جشنواره «انکوبات» در شهر تیلبرگ هلند موردبررسی قرار گرفت. وی با استفاده از روش‌های قوم‌نگاری، تناسب بین رویداد انکوبات و زمینه سیاست شهر را تجزیه و تحلیل می‌کند، و نشان می‌دهد که هرچند خود رویدادها از نظر شرایط هنری بسیار موفق بوده و مورد استقبال شرکت‌کنندگان قرار گرفته‌اند، اما نتوانستند تأثیرات مورد خواست شهر را برآورده سازند. این امر باعث ته کشیدن بودجه عمومی شده است، که احتمالاً باعث سقوط جشنواره می‌شود. این اشارات به مشکلات رو به رشدی که رویدادها در تلاقی با خواست‌ها و انتظارات تصمیم‌سازان شهری از

بستر (فرهنگی) شهرهای مختلف نقشی کلیدی در شکل دادن به رویکردهای پورتفولیو ایفا می‌کنند. برای مثال، کوچک‌تر بودن داندین به این معناست که ویژگی جهت‌مندی در پورتفولیوی این شهر نسبت به دو شهر دیگر کم‌رنگ‌تر خواهد بود، (یعنی جهت‌گیری رویداد در این شهر به سمت بازار عرضه یا به سمت طرف تقاضا هیچ‌یک چندان جذاب نیست) و در مقایسه با شهرهای بزرگتر اوکلند و ولینگتون، فضای بیشتری برای دریافت و بهره‌گیری از دیدگاه‌های کاربردی اهالی شهر مهیاست.

این رویدادها دارند، این هشدار را در خود دارد که لزوماً سیاست‌های شهرهای رویدادگرا چه‌بسا ممکن است به برخورداری بیشتر شهرها از رویدادها نینجامد. آندرو اسمیت (Andrew Smith) چالش‌های درگیر در راه‌اندازی رویدادهای بزرگ در فضاهای عمومی شهرها را مورد تأکید قرار می‌دهد. با توجه به مثال لندن، او چگونگی تبدیل

پارک‌ها به مکانی همیشگی برای رویدادها را تحلیل کرده و ایده‌هایی در مورد نقش پارک‌های شهر به‌عنوان فضای عمومی را به چالش می‌کشد. هرچند رویدادهای عظیم می‌تواند درآمدی بیش از چیزی که نیاز است را تولید کند، اما رویدادهای که با بلیت‌فروشی همراه است، دسترسی را محدود می‌کند، و منجر به خصوصی کردن، تجاری کردن،

و امنیتی کردن فضاهای عمومی می‌شود. اسمیت (Smith) نتیجه می‌گیرد که این فرآیندها نوعی دستورالعمل‌های اقتصاد نئولیبرالی است که مرتبط با بازاریابی مکان است و عملکرد و جایگاه مردمی فضاهای عمومی را تنزل داده و تضعیف می‌کند. در آخرین مقاله آلبا کولومبو (Alba Colombo)

پورتفولیوی رویداد چیست؟

احمد رضا جلوه نژاد

پورتفولیوی رویداد نشان‌دهنده رویکردهای مفهومی و استراتژیک یک رویداد است و در واقع مجموعه‌ای است مدون همچون یک کاتالوگ و یا یک وب‌سایت که از طرح کلی رویداد مورد نظر شروع می‌شود و تا به عناوین اجرایی و برنامه روزانه زمان‌بندی رویداد ادامه می‌یابد. این پورتفولیو باید حدوداً شش ماه پیش از تاریخ برگزاری رویداد آماده شده باشد. در این مجموعه مدون، یا به تعبیری پورتفولیوی رویداد، تجارب کلیدی گذشته، طرح‌ها و برنامه‌های آتی و توانمندی‌های اجرایی به کارفرما یا ذی‌نفعان و نیز اسپانسرهای رویداد نیز ارائه می‌شود تا ضمن آنکه نظر آنان به توانایی‌های برگزارکننده جلب شود، اطمینان یابند برگزاری رویداد خواهد توانست اهداف آنان را نیز تأمین کند. این شمای است از طراحی رویداد که شرکت مجری

رویداد آن را ارائه می‌دهد.

طراحی رویداد از آن رو حائز اهمیت است که پیامدهای ویژه و اهداف روشنی که شهر میزبان از برگزاری رویداد ترسیم کرده است را بتواند پشتیبانی کند و به این ترتیب به یک رویکرد مدیریتی استراتژیک نیازمند است که اهداف همه ذی‌نفعان و سهامداران و شرکای آن رویداد را هم‌تراز کرده و بر مبنای یک استراتژی مشترک عمل کنند. این استراتژی مشترک باید در پورتفولیوی رویداد منعکس شود و پورتفولیو بتواند اتحاد و هم‌راستایی رویداد با منابع شهر، اهداف کلان و خرد شهر و نیز ظرفیت‌های جمعی و قابلیت‌های شهر را ترسیم کند.

یک پورتفولیوی رویداد یک گروه‌بندی مدیریتی از تمامی رویدادهای کوچک‌تری که ذیل رویداد اصلی قرار است در مدت زمان برگزاری رویداد برای مخاطب‌های هدف متفاوت و در مکان‌های مختلف شهر میزبان برگزار شود، ارائه می‌دهد و

شان نزول هر یک با اهداف خرد و کلان رویداد را بیان می‌کند.

پورتفولیو رویداد همچنین تحلیل‌هایی از شماری فاکتورهای اصلی از جمله منابع محلی، تقاضای بازار و آنالیز رویدادهای مشابه رقیب نیز به دست می‌دهد.

برای هر رویداد نیاز است که راهبردهایی نیز تدوین شود تا اهدافی چون گردشگری، توسعه شهری و جذب سرمایه‌گذاری را نیز به گونه‌ای مناسب تنظیم و فرمول‌بندی کرده و طراحی کند.

پژوهشگران و کنشگران امروزه بیش از پیش به اهمیت پورتفولیوی رویداد واقف شده و آن را به‌عنوان یک دارایی استراتژیک برای مقاصد گردشگری ارزیابی می‌کنند که می‌تواند برای شهرهای میزبان رویداد، به افزایش بازدیدها، متنوع سازی گردشگری شهر و راهبردهای توسعه شهری و اجرای طرح‌هایی با حداکثر بازده اقتصادی برای شهر منجر شود.

اگرچه بخش عمومی ممکن است به دلیل محدودیت‌های مالی، نقش کم‌رنگ‌تری در تأمین بودجه رویداد داشته باشد، اما حکومت هنوز نقش مهمی در توزیع منابع دیگر دارد، به خصوص که استفاده از فضای عمومی را نیز در کنترل دارد.

و گرگ ریچاردز (Greg Richards) روش‌هایی که شهرهای رویدادگرا می‌توانند به‌عنوان شتاب‌دهنده نوآوری در مقیاس جهانی عمل کنند را بررسی کردند. مثلاً با اشاره به جشنواره سونار بارسلونا، آنها نشان دادند که یک رویداد که از یک پس‌زمینه کاملاً محلی به وجود آمده، چگونه توانسته به مدلی برای رویدادهای موسیقی در سراسر جهان بدل شود. این امر با سیاست آگاهانه شبیه‌سازی و هماهنگی در بخش سازمان‌دهندگان جشنواره که جهانی‌سازی رویداد را به‌عنوان وسیله‌ای برای افزایش نمایه و قدرت رویداد اصیل در هسته بارسلونا در نظر می‌گیرند، ممکن شده است. به‌هم‌پیوستگی این همکاری‌ها نشان‌دهنده ابعادی است که مفهوم واقعی شهر رویدادگرا، با توجه به آنها بازتولید و بازاندیشی می‌شود. یک درون‌مایه آشکاری که از بسیاری از مقالات برداشت شد ارتباط ظاهری بین مدل‌های متمرکزتر شهر رویدادگرا و سیاست‌ها و رژیم‌های حاکمیت شهری نئولیبرال است. مطالعه آندرو اسمیت (Andrew Smith) نگرانی‌های بسیار خاصی در مورد اثرات منفی تجاری‌سازی فضای عمومی به وجود آورده

است، هرچند تحلیل آلبا کولومبو (Alba Colombo) از رویدادهای اخیر در بارسلونا نشان می‌دهد که این روند قابل‌تغییر است. به نظر می‌رسد که شهرها در برنامه‌های برگزاری رویدادهایشان، با مشکل پایداری زیست‌محیطی روبه‌رو هستند. دان گتز (Don Getz) بر لزوم اقداماتی برای پایداری تمامی رویدادهای شهری تأکید می‌کند. این رویکرد هرچه زیست‌محیطی‌تر کردن در مطالعه برنامه‌های رویداد با ریشه‌های مدیریت مالی رویکرد پورتفولیوی رویداد در تضاد است. برخی مطالعات در مورد این موضوع خاص، پیشنهاد می‌دهند که یک رویدادها در یک شهر با تأثیر نهادن بر یکدیگر بتوانند به یک مدل زیست‌محیطی دست یابند که رعایت آن به‌عنوان یک استاندارد، و رای برنامه‌های مدون پورتفولیوی رویدادها به یک رویه بدل شود. از سوی دیگر، شواهدی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد رویدادها برای منابع محدود (بودجه، فضا و سایر حمایت‌ها) در داخل شهر با یکدیگر رقابت می‌کنند. اگرچه بخش عمومی ممکن است به دلیل

محدودیت‌های مالی، نقش کم‌رنگ‌تری در تأمین بودجه رویداد داشته باشد، اما حکومت هنوز نقش مهمی در توزیع منابع دیگر دارد، به خصوص که استفاده از فضای عمومی را نیز در کنترل دارد. آندرو اسمیت (Andrew Smith) در استدلال خود در مورد رویدادها در پارک‌های عمومی به فشارهای مالی که ممکن است منجر به تجاری شدن آنها و فضاهای عمومی دیگر و جشنواره‌ای شدن (festivalization) شهرها شود، اشاره می‌کند. واژه «جشنواره‌ای شدن» اغلب دارای بار منفی است، که با رویدادهای خصوصی، تجاری و سطحی مرتبط است. هرچند، همان‌طور که وین (Wynn) اخیراً استدلال کرده است، اگر جشنواره‌ای شدن بتواند محرکی برای تولید فرهنگی و فعالیت‌های خلاق باشد که باعث انسجام اجتماعی و رشد اقتصادی پایدار شود، می‌تواند اثر مثبت هم داشته باشد. این بازاندیشی در مورد مفهوم شهر رویدادگرا می‌تواند یک کاتالیزور برای تحقیقات بیشتر باشد. رشد شهرها مسلماً منجر به رویدادهای شهری بیشتر می‌شود، و نیاز است که شهرهای



به خصوص چون شهرهای در حال ظهور به عنوان فضاهای رویدادی در دنیای در حال توسعه مهمتر می شوند. نه تنها فضاهای رسمی تر، مثل پارکها و میدانهای موجود در شهرهای آمریکای شمالی و اروپایی برای رویدادها مهمتر می شوند، بلکه بیشتر فضاهای عمومی غیررسمی در حلی آبادها و شهرکهای حاشیه‌ای نیز اهمیت می‌یابند.

بیشتری در مورد چگونگی مدیریت و برنامه‌های رویدادهایشان تفکر کنند. در قرن شهری (Urban Century) فعلی، ممکن است ما به دنبال پاسخی بر این پرسش بگردیم که آیا رویدادهای شهرمحور به دلیل بسترهای (اجتماعی، فرهنگی و تاریخی و ...) شهریشان، متفاوت یا متمایز هستند، یا رویدادهای بیشتر و بیشتر دارند به هم شبیه می‌شوند؟ این رابطه چگونه در آینده توسعه پیدا می‌کند؟ به خصوص چون شهرهای در حال ظهور به عنوان فضاهای رویدادی در دنیای در حال توسعه مهمتر می‌شوند. نه تنها فضاهای رسمی تر، مثل پارکها و میدانهای موجود در شهرهای آمریکای شمالی و اروپایی برای رویدادها مهمتر می‌شوند، بلکه بیشتر فضاهای عمومی غیررسمی در حلی آبادها و شهرکهای حاشیه‌ای نیز اهمیت می‌یابند. چنین فضاهایی که حاشیه‌ای شده و برای رویدادهای عظیم کمرنگ شده‌اند، چگونه می‌توانند در آینده به چالش کشیده شود؟ مقاله ارائه شده در نشست بارسلونا توسط سومپونگ آمنوای-انگرنترا (Sompong Amnuay-ngerntra) در مورد رویدادهای هنری در تایلند بود، و این حقیقت را آشکار می‌کرد که روابط میان شهرها، رویدادها و فرهنگها در جوامع غربی همانند شهرهای آسیایی نیست. یکی از چالشهای



▲ رویداد دوچرخه‌سواری دانشگاهی در ادینبوروی اسکاتلند

آینده برای گروه ATLAS و دیگر محققان رویداد، ترغیب کردن برای داشتن تبادلات بیشتر ایده‌ها بین محققانی که بر روی الگوهای غالب اروپایی و آمریکای شمالی تحقیق می‌کنند، و همچنین افرادی از دیگر نواحی دنیا است.

بسیاری از مقالات در مورد این موضوع خاص، ایده‌هایی برای تحقیقات آینده را مشخص می‌کنند. برای مثال، ولادمیر آنتچاک (Vladimir Antchak و توماس پرنکی (Tomas Pernecky) نشان دادند که نیاز است که در پورتفولیوهای رویداد درک بیشتری از پس‌زمینه‌های تاریخی، سیاسی، و اجتماعی-فرهنگی را به دست دهیم. آنها پیشنهاد می‌دهند که شبکه‌های رویداد در شهرهای مختلف بررسی شوند تا مشخص شود چطور علایق و دیدگاه‌های متفاوت بر پورتفولیوی رویدادها یا به تعبیری ریز برنامه‌های رویدادها اثر متقابل گذاشته و برهم‌کنش و واکنش نشان می‌دهند.

آندرو اسمیت (Andrew Smith) نیز پیشنهاد کرده است که توزیع هزینه‌ها و منافع مربوط به سیاست‌های شهر رویدادگرا باید با دقت بیشتری بررسی شود. برگزاری رویدادهای تجاری در فضاهای عمومی ممکن است به تأمین بودجه آن فضاها کمک کند، اما این موضوع می‌تواند به این

معنا باشد که ساکنین محلی بیشتر در معرض ازدحام جمعیت و سر و صدا قرار گیرند.

مطالعه کردن تأثیرات پررویدادی در فضاهای شهری متفاوت به افزایش درک ما از ایجاد فضای شهری کمک می‌کند. همان‌گونه که ایلیا سیمونز اشاره می‌کند، رویدادها می‌توانند «فضای سوم» خود را ایجاد کنند، که اجازه می‌دهد اتفاقات جدید رخ دهد.

جشنواره انکوبات در تیلبرگ فضای سوم را ایجاد کرد که عمدتاً توسط شرکت‌کنندگان در جشنواره اشغال می‌شود، و این فضاها برای دیگران قابل استفاده نیست. هرچند ایجاد فضای سوم برای رویدادهای دیگر ممکن است روش دقیقی برای به وجود آوردن ارتباطات جدید بین گروه‌های درونی و بیرونی شهر باشد.

دان گتز شماری جهت‌های ممکن برای تحقیقات جدید را پیشنهاد می‌دهد، که شامل مقایسه شهرها از نظر کیفیت حمایتی از رویدادها و توانایی آنها برای دستیابی به نتایج رویداد پایدار می‌شود. او همچنین مقایسه تمامی رویدادهای شهری یا پورتفولیوها را از این باب که میزان ارزشی که آن‌ها برای شهر ایجاد کرده‌اند را به دست دهد، امری لازم می‌داند.

گرگ ریچاردز نیز سنجش ارزش در بستری

شبکه‌ای را پیشنهاد می‌کند که در مقایسه با رویدادهای تکی، شبکه رویدادها تا چه میزان می‌تواند ارزش بیشتری برای شهرها ایجاد کند؟ برای تشریح ارتباطات شبکه بین رویدادهای شهرهای متفاوت و برای درک اینکه چگونه این رویدادها برای شهرهای میزبان و همچنین برای یکدیگر ارزش آفرین است، نیاز به تحقیقات بیشتری است. رویدادها تلاش می‌کنند که با ایجاد دوره‌های جدید در شهرهای متفاوت رشد کنند، بنابراین چنین تحقیقاتی احتمالاً دارای ارزش بیشتری می‌شوند.

همانند جشنواره سونار، رویدادهای زیاد دیگری سعی دارند که نمایه خود را به‌طور بین‌المللی توسعه دهند. جشنواره‌های موسیقی مثل جشنواره راک در ریو، پریمورا ساند (بارسلونا و پورتو)، یا لولاپالوزا (شیکاگو، بوئنوس آیرس، ساوپائولو، سانتیاگو شیلی، برلین و پاریس) که جهانی شده‌اند، این سؤال را به وجود آورده‌اند که آیا از برند رویداد مهمتر از شهری است که آن را میزبانی می‌کند؟

شهرهای رویدادگرا در آینده تا چه حد باهم رقابت می‌کنند که رویدادهای بزرگ را به دست آورند تا برنامه رویدادهای خود را پر کنند؟ این قبیل سؤالات بدون شک همچنان ادامه خواهد داشت.

توزیع هزینه‌ها و منافع مربوط به سیاست‌های شهر رویدادگرا باید با دقت بیشتری بررسی شود. برگزاری رویدادهای تجاری در فضاهای عمومی ممکن است به تأمین بودجه آن فضاها کمک کند، اما این موضوع می‌تواند به این معنا باشد که ساکنین محلی بیشتر در معرض ازدحام جمعیت و سر و صدا قرار گیرند.



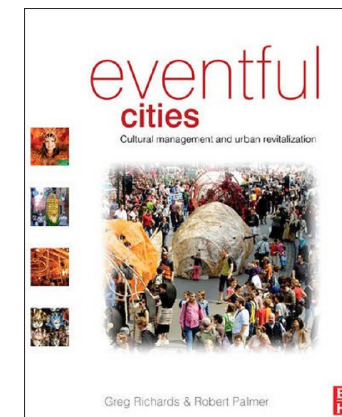
▲ یک رویداد شهری در کنار آرسلور میتال، بزرگترین مجسمه شهری در دهکده المپیک لندن

گروه ترجمه ایمننا

شهرهای رویدادگرا: مدیریت فرهنگی و باززنده‌سازی شهری

راهبردهایی را لازم است پیش ببرد که اطمینان حاصل کند چنین رویدادهایی به تحکیم شهریت و هویت و فرهنگ مکان‌هایی که آن رویداد را میزبانی می‌کنند خواهد انجامید و تأثیرات اقتصادی و کامیابی فرهنگی را حاصل خواهد کرد. در اینجا نقدی که دکتر جیمز کنل بر معرفی این کتاب در مجله Cultural Trend نوشته است را خواهیم خواند.

کتاب «شهرهای رویدادگرا» که توسط گرک ریچاردز و رابرت پالمر در سال ۲۰۱۰ نوشته شده، نخستین کتاب و به تعبیری کتاب مرجعی است که درباره ارتباط میان شهرها و رویدادها در جهان منتشر شده است. نویسندگان این کتاب معتقدند که مسئله این کتاب این نیست که یک رویداد را چگونه باید مدیریت کرد بلکه نکته مهم اینجاست که یک شهر چگونه



شهرها در مناطق پسا صنعتی دنیای پیشرفته و به طور فزاینده‌ای، شهرهای در حال رشد با اقتصادهای نوظهور، اخیراً به سمت برپایی رویدادها متوجه شده‌اند که به مثابه شتاب‌دهنده‌هایی برای پوست‌اندازی شهری، پرچم‌داری برندسازی شهر، مغناطیس جذب گردشگر و محرک‌های انسجام اجتماعی کارایی دارند. این کتاب مهم پدیده برنامه رویدادهای فراگیر شهری را تحلیل می‌کند و استفاده ابزاری از رخدادهای فرهنگی برای بهبود شرایط رقابتی شهرها را نقد می‌کند. ریچاردز و پالمر ادغام جدید مدیریت شهری و استراتژی‌های رویدادهای فرهنگی را به عنوان «رویداد-گرایی» توصیف می‌کنند که بیانگر این است که «این ادغام نباید خود هدف باشد، بلکه باید وسیله‌ای برای بهبود شهر باشد و شهر را جذاب‌تر و زیست‌پذیرتر سازد»، پیگیری توسعه فرهنگی را شدیداً به خواسته‌های شهرها پیوند می‌دهد تا به اهداف دوگانه رشد اقتصادی و پیگیری برای بهبود کیفیت زندگی ساکنان دست یابند.

این کتاب با تعریف رویدادها آغاز می‌شود و سپس با توجه به ماهیت رویدادهای فرهنگی ادامه پیدا می‌کند و این امر را از طریق دربرگیری طیف وسیعی از مثال‌ها و مطالعات کوچک موردی انجام می‌دهد. این دو به نوعی تفاخر و تعصب

اروپایی تمایل دارند و تعجب‌آور نیست چون نویسندگان کار کردن بر روی برنامه‌های پایتخت فرهنگی اروپایی را در کارنامه دارند و این مورد یکی از نقاط قوت این کتاب است که آنها تجربه عملی و مطالعات بین‌المللی مقایسه‌ای را به تصویر می‌کشند. نویسندگان با تحلیل برنامه‌ریزی در سطح شهر، برنامه‌ریزی رویدادهای فرهنگی را به کتاب خود اضافه کرده‌اند و این موضوع را از طریق مفهوم گزینش آثار انجام می‌دهند که بیشتر به مجموعه‌ای از روابط حساس‌تر اشاره دارد تا برنامه‌ریزی سخت‌تر، چون معمولاً در زمینه مدیریت رویدادها بیان می‌شود. ریچاردز و پالمر می‌گویند که ممکن است ما مشاهده‌گر حرکت به سمت شهرهای رویدادگرا باشیم، یعنی جایگزینی سیاست فرهنگی به جای برنامه‌ریزی فرهنگی.

میان‌های کتاب بیشتر مدیریت محور و کمتر مفهومی است، همچنین حاوی مطالبی در مورد رهبری و حکمرانی، منابع انسانی، خطرات، مسائل مالی و بازاریابی است. این قسمت‌ها بسیار عملی است و به کتاب کمک می‌کند که بین تئوری و عمل به طور مؤثر ارتباط برقرار کند، چراکه حوزه مدیریت رویداد در یک دوقطبی درگیر است، دوقطبی بین وجوه موضوعی مطالعه رویداد از یکسو و بخش کاربردی‌تر رویکردهای

مدیریتی از سوی دیگر که در این بخش کتاب این رویکردهای مدیریتی دست بالاتر را دارد. پرداختن به هر دو دیدگاه در مورد رویدادها به این معناست که این کتاب توانسته به امر دشوار برقراری تعادل در بهره‌رسانی به هر دو گروه پژوهشگران رویدادها و نیز متخصصان اجرایی و مجریان برگزاری رویدادها نائل شده است. فصل «توسعه مخاطبان» این رویکرد را نشان می‌دهد که شامل مباحث مفهومی مخاطبان و عموم مردم برای رویدادهای فرهنگی است که همراه با تکنیک‌های عملی رشد مخاطب و مثال‌هایی از پروژه‌های موفق در این زمینه است. بر اساس تحقیق قابل توجه ریچاردز در مورد گردشگری فرهنگی، نویسندگان توربست‌ها را نیز به عنوان گروهی از مخاطبان در نظر می‌گیرند.

فصل‌های «پیامدها و تأثیرات برنامه‌ریزی رویداد» و «پایایی برنامه‌ریزی رویداد» در پیوستگی باهم، بین خروجی و پیامدها و بین انواع متفاوت تأثیرات در سطح شهر به طور وضوح تفاوت قائل می‌شود، همان‌طور که برای رویدادهای تکی، چارچوبی تهیه کرده است که در آن تأثیرات خاص حرکت به سمت «رویدادگرایی» می‌تواند ارزیابی شود. در درجه اول، پایداری به عنوان یک سری اقدامات متعادل‌کننده بین اولویت‌های رقابتی در نظر

شهرها در مناطق پسا صنعتی دنیای پیشرفته و به طور فزاینده‌ای، شهرهای در حال رشد با اقتصادهای نوظهور، اخیراً به سمت برپایی رویدادها متوجه شده‌اند که به مثابه شتاب‌دهنده‌هایی برای پوست‌اندازی شهری، پرچم‌داری برندسازی شهر، مغناطیس جذب گردشگر و محرک‌های انسجام اجتماعی کارایی دارند.



گرفته می‌شود و نویسندگان درگیر مسائل دشوار مربوط به این موضوع می‌شوند که آیا رویدادهای فرهنگی می‌توانند از لحاظ اقتصادی پایدار باشند یا نه؟

دو فصل نهایی دیدگاه انتقادی تری نسبت به ایده «رویدادگرایی» دارد. اولاً، نویسندگان مجموعه‌ای از معیارهایی را مشخص کرده‌اند که اهداف رویداد، محتوای فرهنگی و اهداف شهر میزبان را در هم می‌آمیزد و این ترکیب می‌تواند برای قضاوت موفق بودن یا نبودن رویدادهای درون‌شهری مورد استفاده قرار گیرند. این مورد به شدت بر شکل‌دهی به یک مکان عمومی تأکید دارد تا بر روی بازاریابی مکان، هرچند در حال حاضر هر بحثی که بخواهد به‌دوراز طرح توجیه‌های اقتصادی رایج در خصوص هزینه‌های عمومی استدلال آورد، بسیار دشوار است. در این کتاب اما مورد قوی‌ای وجود دارد که به‌منظور بررسی کردن سهم رویدادها در یک شهر به شیوه‌ای جامع، با استفاده از شیوه‌های حسابداری اجتماعی همراه با مطالعات ضرایب استاندارد افزایش صنعتی و روش‌شناسی ورودی-خروجی مبادرت کرده است. این کتاب با مروری بر گرایش‌های مهم درونی و برونی که ممکن است بر حرکت به سمت رویدادگرایی تأثیر بگذارد و شامل عوامل محیطی، توسعه‌های اجتماعی-جمعیت‌شناسی، فناوری‌های جدید و کاربردهای نوین تکنولوژی موجود و تغییر در بستر اقتصادی می‌شود، به

پایان می‌رسد. این گرایش‌ها، تجزیه و تحلیل شده و سپس با بخش عملی «زمینه‌سازی برای رویدادگرایی» خاتمه می‌یابد که ایده‌ها و اقدامات ملموسی را مشخص می‌کند که در توسعه یک شهر رویدادگرا می‌تواند اجرا شود. نویسندگان کتاب این موضوع را مورد ملاحظه قرار داده‌اند که چطور دانشی برای شهر رویدادگرا ایجاد کنند که شاید بتواند پایه‌ای برای پژوهش‌های برنامه‌ریزی آینده را شکل دهد.

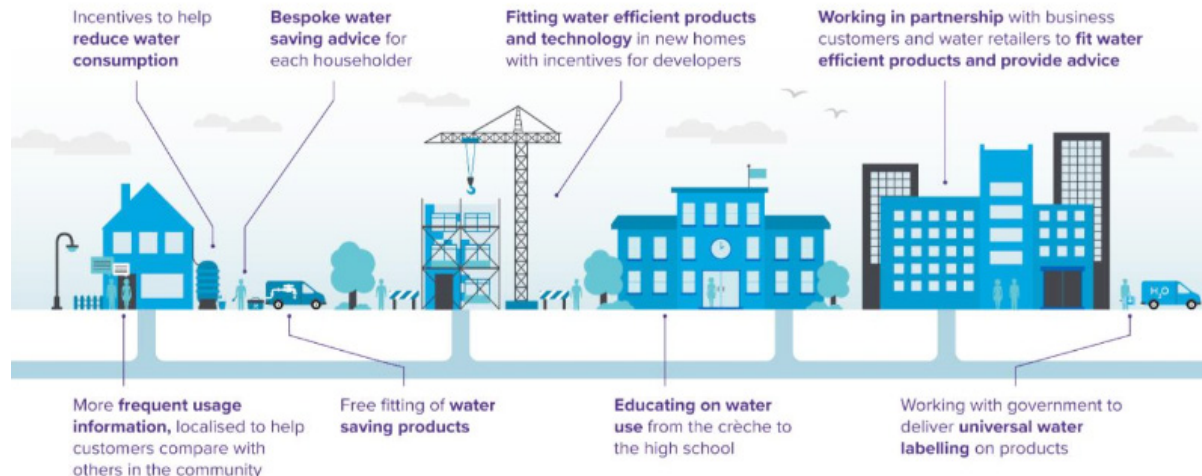
هرچند کتاب «شهرهای رویدادگرا» با نمونه‌ها و مطالعات موردی فراوانی پشتیبانی می‌شود، تنها در قسمت پایانی کتاب است که رویداد محوری شهرهای آسیایی با جزئیات بحث می‌شود. ریچاردز و پالمر به‌وضوح تأکید می‌کنند که به‌زودی، ۱۲ شهر از ۲۰ شهر بزرگ دنیا در آسیا خواهد بود: تفاوت در شکل شهری، نظام‌های سیاسی و تولیدات فرهنگی ممکن است مفهوم شهر رویدادمدار را به مسیرهای غیرقابل پیش‌بینی دیگری سوق دهد. تحقیقات جدید در این زمینه به ایجاد مقایسه‌های بین‌المللی و بین فرهنگی نیاز پیدا می‌کند، مخصوصاً اگر اقتصاد شهری اروپا و آمریکای جنوبی همچنان به افت خود ادامه دهد. در بخش رویدادهای فرهنگی، افزایش تولیدکنندگان و مدیران رویدادهای بین‌المللی و نیز افزایش جهانی‌شدن اقتصادهای شهری به این معناست که احتمالاً بسیاری از نوآوری‌ها در زمینه رویدادمداری اولین بار در آسیا و آفریقا

قابل مشاهده خواهد بود. نه تنها رویدادهای فرهنگی که دیگر دسته‌بندی رویدادها از جمله رویدادهای تجاری و ورزشی نیز بر توسعه مفهوم رویدادگرایی تأثیرگذارند و چه‌بسا مرزهای رویدادهای فرهنگی و غیرفرهنگی را ناپدید می‌کنند. آن‌گونه که برخی رویدادهای تجاری به سبب اینکه در تجربه اقتصاد کاملاً غوطه‌ور هستند، استعدادهای خلاق در طراحی رویدادها را به‌گونه‌ای وسیع به کار می‌گیرند یا در برخی رویدادهای ورزشی که پیوندهای زیاد برنامه‌های فرهنگی و نوازی شهری با آن رویداد به چشم می‌خورد.

این کتاب به‌وضوح بر روی قسمت رویدادهای فرهنگی تمرکز می‌کند، اما بسیاری از دیدگاه‌هایش می‌تواند به‌طور برابر در انواع متنوع رویدادها که در شهر برگزار می‌شود کاربرد داشته و در راهبردهای توسعه شهری نقش ایفا کند. «شهرهای رویدادگرا» کتاب نادری است که برای سیاست‌سازان، چهره‌های دانشگاهی و برگزارکنندگان اجرایی مفید است به این دلیل که به تحقیقات و تجربیات عملی نویسندگانشان استوار است. این کتاب یک حوزه نوظهور و مهم در تحقیقات مدیریت رویدادها را تحلیل می‌کند و دیدگاه‌های گوناگونی مربوط به زمینه‌هایی کاملاً جدا از هم در سیاست فرهنگی، گردشگری و مدیریت رویدادها و هنرها و نیز توسعه اقتصادی را به هم پیوند می‌دهد.

این کتاب به‌شدت بر شکل‌دهی به یک مکان عمومی تأکید دارد تا بر روی بازاریابی مکان، هرچند در حال حاضر هر بحثی که بخواهد به‌دوراز طرح توجیه‌های اقتصادی رایج در خصوص هزینه‌های عمومی استدلال آورد، بسیار دشوار است. در این کتاب اما مورد قوی‌ای وجود دارد که به‌منظور بررسی کردن سهم رویدادها در یک شهر به شیوه‌ای جامع، با استفاده از شیوه‌های حسابداری اجتماعی همراه با مطالعات ضرایب استاندارد افزایش صنعتی و روش‌شناسی ورودی-خروجی مبادرت کرده است.

شهر هوشمند؛ آب هوشمند



در دهه‌ی اخیر شهرها در جهان مبلغی حدود ۱۰۸ میلیارد دلار را به منظور سرمایه‌گذاری در زیربنای شهر هوشمند اختصاص داده‌اند. برای مثال بعضی از این موارد شامل کنتور و شبکه هوشمند، انرژی کارآمد ساختمان‌ها و تحلیل اطلاعات است.

▲ یک چرخه از نمونه فعالیت‌هایی در یک شهر که به مصرف بهینه آب می‌انجامد، از اطلاع‌رسانی به خانوارها در مورد شرایط مصرف گرفته تا اعطای تجهیزات رایگان کاهنده به آنان، آموزش دانش آموزان در مدارس، مشارکت با مشتریان تجاری تا کاستن از میزان آب در حد امکان در چرخه تولید و برچسب جهانی آب بر روی تولیدات در خصوص اطمینان از نحوه مصرف آب در فرایند تولیدشان.

نوشته مارک لینمیلر و ملیسا آمارا
در نشریه واترورد

گروه ترجمه ایمنا

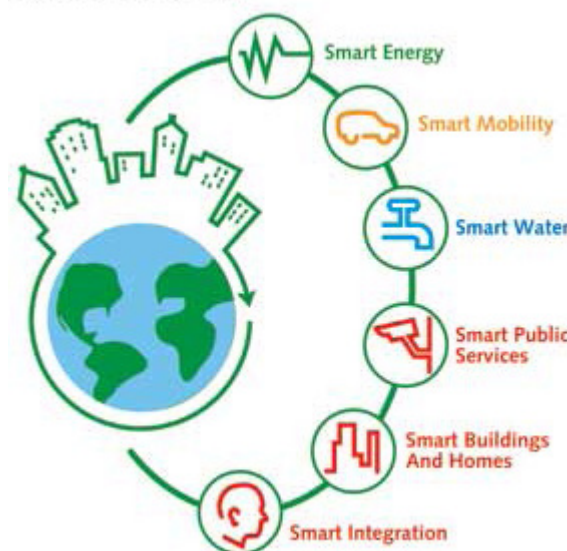
بر اساس گزارش سازمان جهانی بهداشت، بیشتر جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند و این نسبت تا سال ۲۰۵۰ به میزان ۷۰ درصد افزایش می‌یابد. در حال حاضر بیش از نیمی از جمعیت شهرنشین دنیا در شهرهایی با جمعیتی حدود ۱۰۰ هزار تا ۵۰۰ هزار نفر سکونت دارند. تقریباً ۱۰ درصد از جمعیت شهرنشین نیز، ساکن کلان‌شهرها هستند. لازم به ذکر است که کلان‌شهر بر اساس تعریف نهاد اسکان سازمان ملل به شهرهایی با جمعیت بیش از ۱۰ میلیون نفر اطلاق می‌شود. با افزایش جمعیت شهرنشین، نیاز به توسعه پایدار و اهمیت کیفیت بالای زندگی برای شهرنشینان، بیش‌ازپیش احساس می‌شود و در چنین شرایطی لزوم مفهوم «شهر هوشمند» ملموس‌تر می‌شود. شهر هوشمند اصطلاحی است که این روزها به گرایشی میان دولت‌ها، طراحان فضاهای شهری و حتی بخش خصوصی به منظور نشان دادن اهمیت کیفیت شهرها در آینده بدل شده است. حرکت به سمت هوشمندتر کردن شهرها برای حمایت از رشد، یکی از زمینه‌هایی است که در این سال‌ها هم از سوی دولت‌ها و هم بخش خصوصی مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس پژوهشی از سوی بنیاد ناویگانت، در دهه‌ی اخیر شهرها در جهان مبلغی حدود ۱۰۸ میلیارد دلار را به منظور سرمایه‌گذاری در زیربنای شهر هوشمند اختصاص داده‌اند. برای مثال بعضی از این موارد شامل کنتور

و شبکه هوشمند، انرژی کارآمد ساختمان‌ها و تحلیل اطلاعات است.

■ منظور از «شهر هوشمند» دقیقاً چیست؟

شهرهای هوشمند شامل شش بخش‌بندی اساسی است که باوجود آنها یک شهر، پایدارتر و کارآمدتر می‌شود و ساکنان آن احساس آسایش بیشتری می‌کنند. این بخش‌ها شامل انرژی هوشمند، یکپارچگی هوشمند، خدمات عمومی هوشمند، حمل‌ونقل هوشمند، ساختمان‌های هوشمند و آب هوشمند است.

بنای شهر هوشمند بر پایه این شش بخش، یک امر حیاتی برای رشد جهانی است، اما این امر چالش‌های بزرگ مالی، قانون‌گذاری و سیاسی نیز پیش رو دارد. گفتگوها پیرامون رشد شهرهای هوشمند همواره زیر سایه شرکت‌های عظیم آی‌تی قرار داشته که بر مبنای تحلیل «کلان داده» به دستاوردهایی بزرگ برنامه‌نویسی ساختاری و نرم‌افزار-محور نائل شده‌اند. هرچند زمانی که نوبت به مدرن‌سازی دستگاه‌هایی که بعضاً صدسال یا بیشتر قدمت دارند، مثلاً شبکه آبرسانی شهرها یا توزیع برق می‌رسد، هنوز نرم‌افزارهای پیشرفته و قابلیت‌های شبکه جوابگوی نتایج موردنظر نیست.



▲ بخش‌بندی‌های ششگانه شهر هوشمند

ادغام کرده باشند. سرانجام اینکه شهرهای هوشمند یک نظارت و تحلیل پیشرفته را برای اندازه‌گیری و بهبود مدام فرایندهای اجرا اعمال خواهند کرد. یکی از شرکت‌هایی که نقش مهمی را در هوشمند سازی شهرها ایفا می‌کند شرکت بین‌المللی اشنایدر الکتریک (Schneider Electric) است. اشنایدر الکتریک یک شرکت تجهیزات الکتریکی فرانسوی است که از سال ۱۸۳۶ تاکنون به‌عنوان یک برند جهانی در صنعت مدیریت انرژی

با مهاجرت روزافزون مردم به شهرها، فراهم آوردن امکانات باکیفیت بالا برای شهروندان خارج از توان و پتانسیل شهرداریها و مؤسسات مربوط به آنها است. از این‌رو لزوم داشتن شهر هوشمند احساس می‌شود. تنها شهرهایی می‌توانند به شیوه «هوشمند» نائل شوند که سیستم‌های حیاتی و زیرساخت‌هایشان در سطوح زیربنایی توسعه ارتقا داده باشند و بعلاوه سیستم‌هایشان را در بستری از یک فناوری پیشرفته یکپارچه‌سازی و در هم

شهرهای هوشمند شامل شش بخش‌بندی اساسی است، بخش‌هایی که باوجود آنها یک شهر، پایدارتر و کارآمدتر می‌شود و ساکنان آنها احساس آسایش بیشتری می‌کنند. این بخش‌ها شامل انرژی هوشمند، یکپارچگی هوشمند، خدمات عمومی هوشمند، حمل‌ونقل هوشمند، ساختمان‌های هوشمند و آب هوشمند است.

شناخته شده است. این شرکت در زمینه تولید تجهیزات الکتریکی و الکترونیکی و توزیع و انتقال انرژی الکتریکی و همچنین ذخیره سازی انرژی فعالیت می کند و نامش در فهرست ۵۰۰ شرکت بزرگ دنیا جای دارد. در سال های اخیر این شرکت با فعالیت روی پروژه هوشمند سازی بیش از ۲۰۰ شهر، زیربنای مناسبی را برای تبدیل شدن آن شهرها به شهر هوشمند فراهم آورده است. شرکت اشنایدر الکتریک با خلاقیت در ساخت دستگاه ها و حسگرهای هوشمند کمک شایانی را به هوشمند سازی شهرها کرده است که از جمله آنها می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. ایجاد چشم انداز و نقشه راه برای یک شهر بهره ور، زیست پذیر و پایدار
۲. ترکیب بروزترین نرم افزارها و سخت افزارها در جهت بهبود سیستم اجرایی
۳. یکپارچه سازی بهره وری عملیاتی و اطلاعاتی در سراسر شهر
۴. افزودن نوآوری به عنوان مؤلفه ی اصلی در سیستم طراحی و اجرایی شهرها
۵. ایجاد همکاری بین مناسب ترین بازیگران جهانی و محلی در تمامی زنجیره ارزشی شهر هوشمند

■ شهرهای هوشمند، آب هوشمند

یکی از مؤلفه های بسیار مهم در شهرهای هوشمند مدیریت آب یا به عبارتی آب هوشمند است. افزایش جمعیت شهرها منجر به افزایش مصرف آب می شود و این امری بدیهی و غیرقابل اجتناب است. با افزایش مصرف آب در شهرها اصطلاح آب هوشمند بیش از پیش و باهدف ایجاد زیربنای لازم جهت جلوگیری از هدررفتگی آب و مصرف صحیح آن استفاده می شود. یک سیستم آب هوشمند بر اساس اطلاعاتی مانند جریان، فشار و چگونگی توزیع آب در شهر طراحی می شود. علاوه بر این مهم است که به طور دقیق از میزان آب مصرفی در یک شهر اطلاع داشته باشیم.

توزیع و آبرسانی و سیستم مدیریت شهری باید به گونه ای محکم و قابل اتکا بتواند در بلندمدت رشدش را حفظ کند و به لحاظ تجهیزاتی ظرفیت اینکه تحت نظارت و شبکه شدن با دستگاه های حیاتی دیگر قرار بگیرد تا اطلاعات پیچیده و جزئی شده کسب کند را داشته باشد.

برای مثال مدیریت آبخیز از طریق اطلاعات مدل سازی شده می تواند از زمان ها و مناطق احتمالی وقوع سیلاب اطلاع یابد و از طریق هوش مصنوعی به صورت اتوماتیک این اطلاعات را با

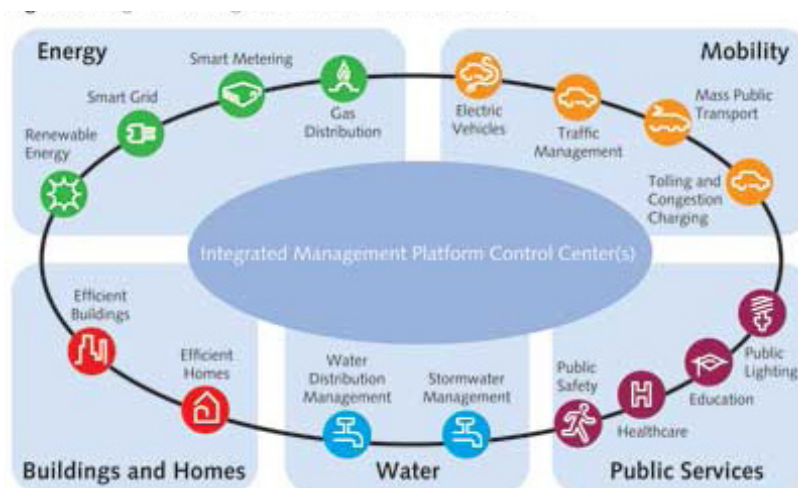
سازمان های دیگر به اشتراک بگذارد. به این ترتیب بخش حمل و نقل می تواند به مردم اطلاع رسانی کند که در کدام نواحی ترافیک حکم فرماست و در نتیجه ترافیک را کنترل و اتومبیل ها را به مسیرهای دیگری هدایت کند.

مدیریت و استفاده بهینه از سیستم آب یکی از اجزای اصلی در شهرهای هوشمند است به طوری که حدود ۵۰ درصد از کل هزینه های انرژی شهری مربوط به سیستم آبرسانی و توزیع آب در شهر می شود. اما متأسفانه به این هزینه انرژی و همچنین بسیاری هزینه های دیگر در سیستم های توزیع آب در برنامه های شهرداری ها نادیده گرفته می شود. این در حالی است که با برنامه ریزی دقیق و تصمیمات صحیح توسط مدیران شهرداری می توان به میزان ۳۰ درصد در مصرف انرژی و ۱۵ درصد در مصرف آب صرفه جویی کرد.

در بحث آب هوشمند، مدیریت هدررفت آب نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است زیرا رشد جمعیت باعث افزایش مصرف آب می شود و در نتیجه منابع آبی مورد استفاده تحت تأثیر کمبود قرار می گیرند. در سال های اخیر بسیاری از نقاط زمین دچار خشکسالی شده اند و میزان آب بسیاری

مدیریت آبخیز از طریق اطلاعات مدل سازی شده می تواند از زمان ها و مناطق احتمالی وقوع سیلاب اطلاع یابد و از طریق هوش مصنوعی به صورت اتوماتیک این اطلاعات را با سازمان های دیگر به اشتراک بگذارد. به این ترتیب بخش حمل و نقل می تواند به مردم اطلاع رسانی کند که در کدام نواحی ترافیک حکم فرماست و در نتیجه ترافیک را کنترل و اتومبیل ها را به مسیرهای دیگری هدایت کند.

بهره‌گیری از فناوری‌های آب
هوشمند به شرکت‌های تأمین آب
اجازه داده که حتی با استفاده از
داده‌های لحظه‌ای اسکادا و مقایسه
آن اطلاعات با نتایج شبیه‌سازی شده
نشت آب در شبکه را به سرعت
تشخیص داده و باعث کاهش
هدررفت و هزینه‌های ناشی از آن
شوند.



▲ پلتفرم مراکز کنترل سیستم یکپارچه شهر هوشمند متشکل از بخش‌های انرژی، حمل و نقل، خدمات عمومی، آب و ساختمان.

زبانی صرف عملیات نمی‌شود بلکه مقدار زیادی از این آب به چرخه انرژی‌های قابل بازگشت برمی‌گردد. البته این تدبیر برای همه تصفیه‌خانه‌ها قابل اعمال نیست اما اقدام جاه طلبانه بالارزشی است که در نقشه راه انرژی تصفیه‌خانه‌ها سودمند است. یکی از بزرگترین موانع برای شروع هر پروژه پرهزینه‌ای تأمین مالی آن است. چندین گزینه برای شهرها و شهرداری‌هایی که می‌خواهند پروژه جدیدی را در زمینه مدیریت آب شروع کنند وجود دارد. یکی از راه‌های بسیار مؤثر مکانیسم قراردادهای اجرای ذخیره انرژی (ESPCs) است که

در ایالات متحده استفاده می‌شود.

■ منظور از قراردادهای خدمات انرژی چیست؟

این قراردادها شکلی از مشارکت عمومی و خصوصی است؛ نوعی مدل مالی است که مجری کاهش هزینه‌های انرژی کارفرما در آینده را تضمین می‌کند و هزینه‌های اجرای پروژه را در بلندمدت (حداکثر ۲۵ سال) از محل کاهش هزینه‌های انرژی کارفرمایش (در اینجا شهرداری‌ها) برداشت می‌کند.

از سفره‌های زیرزمینی به شکل بی‌سابقه‌ای کاهش یافته است. اما بهره‌گیری از فناوری‌های آب هوشمند به شرکت‌های تأمین آب اجازه داده که حتی با استفاده از داده‌های لحظه‌ای اسکادا و مقایسه آن اطلاعات با نتایج شبیه‌سازی شده نشت آب در شبکه را زود تشخیص داده و باعث کاهش هدررفت و هزینه‌های ناشی از آن شوند. برای مثال، یک شهر متوسط با ۱۰۰ میلیون گالن آب تولیدی در روز، با حدود ۲۵ درصد نشتی (که مقدار غیرمعمولی نیست) مبلغی بیش از ۱۳ میلیون دلار در سال هزینه‌های کارگر، مواد شیمیایی و انرژی که برای استحصال و تصفیه و توزیع این میزان آب هزینه کرده است را از دست می‌دهد، بدون آنکه درآمدی به دست‌آورد و این میزان آب به ورودی کنتورهای خانه‌ها یا مصرف‌کنندگان برسد. در خصوص فاضلاب اما، برخی حرکت‌ها از سوی سازمان‌هایی چون فدراسیون زیست‌محیطی آب (WEF) در جهت بهره‌گیری از پساب فاضلاب‌ها برای بازیافت منابع صورت گرفته و از جمله برای تولید انرژی و استفاده در همان تصفیه‌خانه‌ها اقدام شده است. این الگو در چندین تصفیه‌خانه اتفاق افتاده که با مازاد انرژی نسبت به مصرف مواجه شده و این مازاد را به شبکه برق سراسری می‌فروشد. با این دست اقدامات نه تنها دیگر آب

بزرگترین مرکز بازیافت زباله در اروپا چگونه ساخته شد؟

سوخت تبدیل می‌شود.

سالانه ۱۷۰ هزار تن زباله در مرکز لیوبلانا بازیافت می‌شود. ۹۸ درصد این زباله‌ها به اشیاء جدید، کود یا سوخت زیستی تبدیل می‌شود. به خاطر تولید سوخت زیستی، این مرکز از لحاظ انرژی خودکفاست.

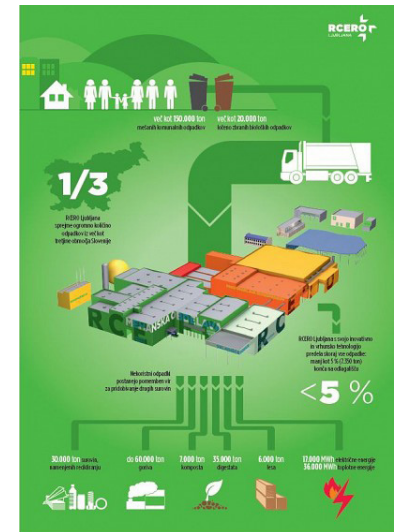
میتیا پرزینیک در خصوص حس خود که توانسته این طرح را تا به ایما توسعه دهد، می‌گوید: «احساس افتخار می‌کنم. این ایده مربوط به ۲۰ سال پیش است. از همان موقع شروع به تحقیق کردم. خوشحالم که توانستیم از تجربه‌هایی که در مورد دفن زباله، استخراج و کاربرد گاز داشتیم، استفاده کنیم. دانشی که از این تجارب به دست آوردیم در این پروژه نقش اساسی داشت. برای این کارها به فرایندهای مختلف نیاز داشتیم که همه دست‌پورده من هستند. کار را شروع کردم و تمام مراحل مربوط به بررسی، مقایسه فناوری‌های مختلف را انجام دادم. سپس از کمیسیون اروپا درخواست بودجه کردم. چون انجام این پروژه اصلاً کم‌هزینه نیست! سه سال و نیم طول کشید تا پروژه عملی شود. خوشحالم که پروژه این‌قدر طول کشید چون پروژه بزرگی است و کاری نیست که یک‌شبه صورت بگیرد.»

می‌گوید: «بخشی از این فعالیت‌ها در سال ۲۰۰۰ میلادی شروع شد. وقتی که اسلوونی به عضویت اتحادیه اروپا درآمد، مجبور بودیم در زمینه مدیریت زباله بسیاری از قانون‌ها را تغییر دهیم و قوانین جدید وضع کنیم. تا آن موقع بخش عمده زباله‌ها به محل‌های دفن زباله فرستاده شده است. طبق قوانین جدید این کار باید متوقف می‌شد. در نتیجه فکر کردیم که باید زباله را تفکیک و بازیافت کنیم.» پرزینیک می‌افزاید: «زباله‌های شهری در اسلوونی به مراکز دفن زباله فرستاده می‌شد. این به معنی هدر رفتن انرژی و مواد مختلف بود. به راه‌اندازی این مرکز برای تفکیک و بازیافت زباله، باعث بهبود روند بازیافت زباله شد. همچنین توانسته‌ایم سوخت حاصل از زباله را جانشین برخی سوخت‌های دیگر بکنیم؛ و در نتیجه بالاخره میزان زباله‌ای را که در زمین دفن می‌شود به مقدار زیاد کاهش دهیم. در این کارخانه جدید تنها ۲ درصد زباله باقی می‌ماند و باید در زمین دفن شود و ۹۸ درصد دیگر به

بازیافت زباله باعث می‌شود از میزان نیاز به زمین برای دفن زباله و شکل‌های دیگر دور ریختن زباله کاسته شود. زباله را می‌توان به سوخت، کود یا مواد دیگر تبدیل کرد. این کار منجر به کاهش آلاینده‌ها انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌شود. مرکز مدیریت بازیافت زباله در لیوبلانا، پایتخت اسلوونی یکی از طرح‌هایی است که برای حفاظت از محیط‌زیست در اروپا انجام می‌شود. این طرح یکی از بزرگترین پروژه‌هایی زیست‌محیطی‌ای است که صندوق انسجام اروپا در راستای همکاری منطقه‌ای انجام می‌دهد.

سالانه ۱۷۰ هزار تن زباله در این مرکز بازیافت می‌شود. ۹۸ درصد این زباله‌ها به اشیاء جدید، کود یا سوخت زیستی تبدیل می‌شود. به خاطر تولید سوخت زیستی، این مرکز از لحاظ انرژی خودکفاست.

میتیا پرزینیک، مدیر و مبتکر این طرح در مورد اینکه چگونه ایده این طرح به ذهنش خطور کرد،



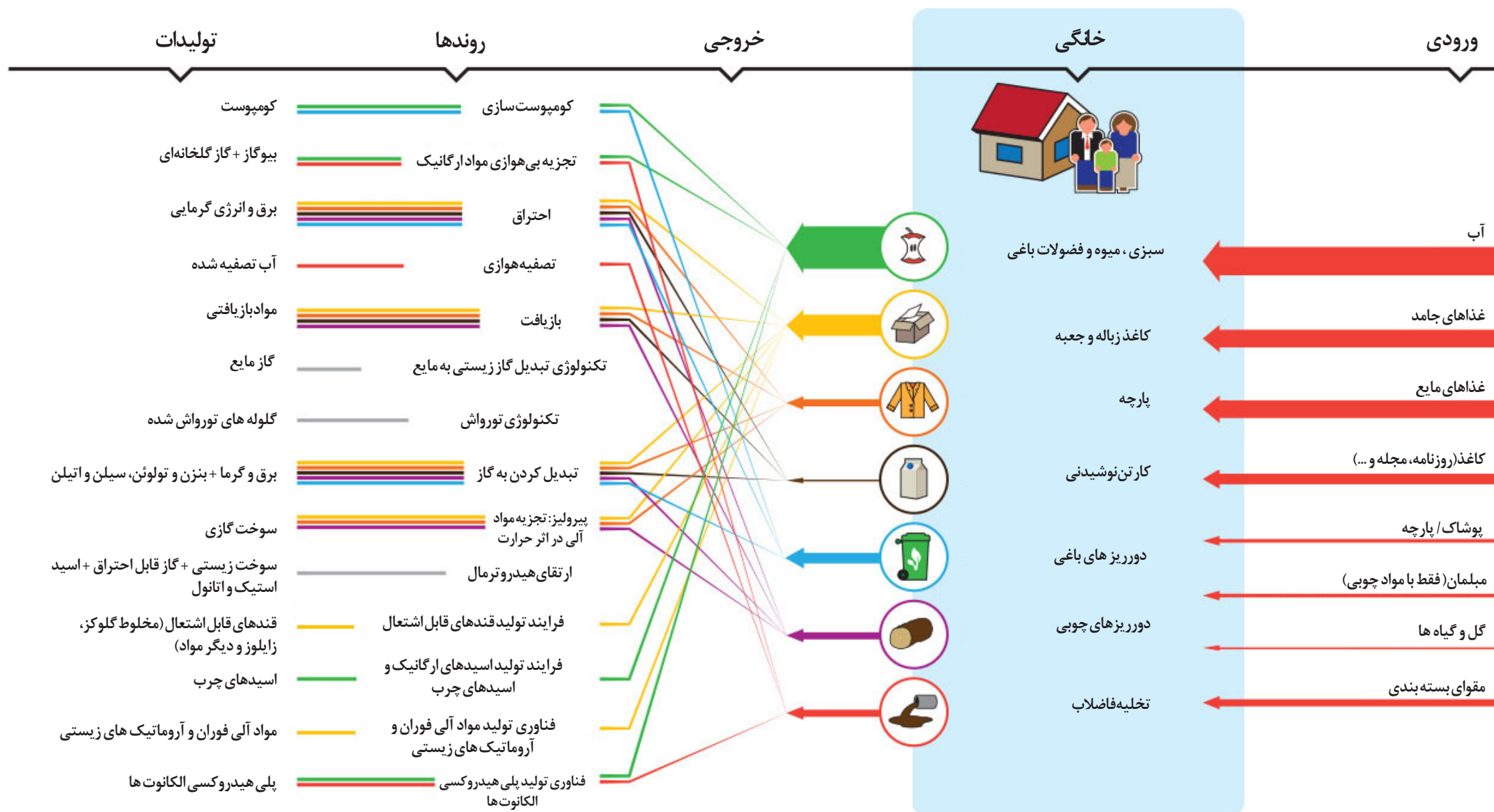
منبع: یورونیوز



پلن مرکز بازیافت لیوبلانا



اینفوگرافیک چرخه بازیافت زباله‌های شهری





تاریخچه بنای شهرداری اصفهان

هدی خردمند

کارشناس فنی مرمت آثار تاریخی

عصر پهلوی اول، در پی استفاده بهتر از شهرهای مهم از جمله اصفهان بودند. رضاشاه بعد از دیداری که از آثار و ابنیه تاریخی این شهر داشت، به عمارت چهلستون وارد شد. این سفر باعث شد تا او به اقداماتی در خصوص این استان مصمم شود. طرح تشکیل انجمن آثار ملی در ایران در ۱۳۰۲ شمسی به مجلس فرستاده شد. در ۱۳۱۱ با حضور ایران شناسان و باستان شناسان خارجی چون پروفیسور آرتور پوپ و آندره گدار به اهمیت حفظ و نگهداری این آثار تأکید و تعمیر آثار تاریخی اصفهان از ۱۳۱۱ رسماً آغاز شد و میدان نقش جهان و مسجد امام اولین بناهایی بودند که مورد مرمت و بازسازی قرار گرفتند. سرپرستی آثار تاریخی اصفهان از سوی دولت به سید محمدتقی مصطفوی، احمد مهران، نصرت‌الله



▲ ردیف اول نفر دوم از سمت چپ دکتر لطف‌الله هنرفر چهلستون ۱۳۲۰ هجری شمسی / آرشیو کتابخانه و مرکز اسناد

مشکاتی، مجدزاده صهبا، مهندس حسین روانبد، مهندس علی اصغر بنائی، احمدعلی بشارت و دکتر لطف‌الله هنرفر سپرده شد و از سوی دیگر نیز سعی شد تا توجه اروپائیان علاقه‌مند به این آثار جلب شود. دولت جدید به توصیه نخبگان و اهل فن توجه به میراث فرهنگی گذشته را دنبال می‌کرد. در این زمان عمارت چهلستون بین ادارات مختلف دست‌به‌دست می‌گشت تا این که سرانجام تمامی بناهای تاریخی اصفهان به اداره معارف واگذار شد و همه ادارات دولتی، بناهای تاریخی را تخلیه کرده و اقدام به احداث ساختمان‌های جدید کردند. در این مقاله سعی بر این است که با توجه به اسناد و منابع موجود به بررسی بنای کاخ شهرداری اصفهان از دوره پهلوی اول پرداخته شود.

■ تاریخچه ساختمان شهرداری اصفهان

در عصر پهلوی اول، تک بناهایی در شهر اصفهان و دیگر شهرهای ایران ساخته شد که هرکدام بار مثبتی همراه داشت معماری ملی‌گرا با گرایش به معماری مدرن غرب با شعار نوگرایی تغییرات زیادی را ایجاد کرد.

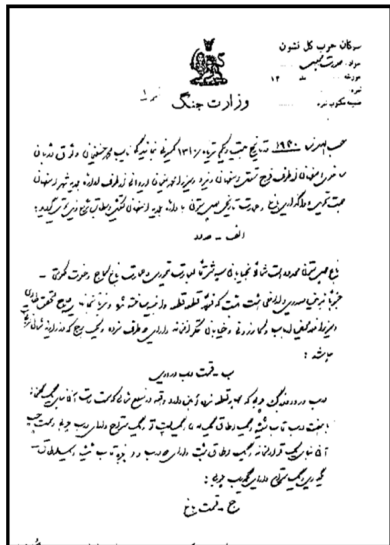
کارخانه‌ها و ادارات جدید در اصفهان ایجاد شد؛ برخی از آن‌ها در بناهای تاریخی برجای‌مانده از گذشته و برخی دیگر در ساختمان‌های جدید مستقر شدند. چنان‌که در اسناد آمده است باغ

تشکیل شد بر اساس صورت جلسه تنظیم‌شده که در همان تاریخ به امضای دژبان نظامی ساخلوی اصفهان و متصدی کتابخانه بلدییه رسید، باغ و عمارت چهلستون به بلدییه اصفهان واگذار شد.

در همان سال نشریه «فرج بعد از شدت» توسط انجمن بلدییه اصفهان با مدیریت نورالدین مجلسی انتشار یافت.

بلدییه اصفهان در سال ۱۳۱۰ موظف شد در راه حفاظت بهتر از کاخ و باغ آن اقداماتی انجام دهد. مدتی بعد از سوی حکمران اصفهان به وزارت داخله پیشنهاد می‌شود تا عمارت چهلستون به موزه بلدییه تبدیل و آثار و اشیاء ارزشمند مربوط

چهلستون و عمارت آن مانند بسیاری دیگر از بناهای تاریخی اصفهان در اختیار تیپ مستقل اصفهان بوده است. در این زمان بخشی از عمارت تیموری که در مجاورت باغ چهلستون قرار داشت محل اداره بلدییه اصفهان بود. در سال ۱۳۱۰ شمسی تیپ مستقل اصفهان خواستار عمارت تیموری شد. بلدییه اصفهان هم در ازای واگذاری عمارت تیموری، باغ و عمارت چهلستون را مطالبه کرد. در ۲۱ تیرماه ۱۳۱۰ در این خصوص کمیسیونی با حضور نایب محمدحسین خان وثوق، دژبان ساخلو (پادگان) اصفهان و میرزا محمدعلی‌خان ایروانی از طرف اداره بلدییه اصفهان



▲ سند شماره ۴ ص ۱ پرونده شماره ۸۲۹۸ بایگانی وزارت دربار پهلوی اول مرکز اسناد و کتابخانه ملی

هجری شمسی فرهنگستان زبان، واژه بلدیه را رسماً به شهرداری تغییر داده بود.

بعد از تحویل عمارت چهلستون، شهرداری اصفهان به باغ بزرگی به نام باغ ستاره (مدرسه ستاره صبح) انتقال پیدا کرد. این باغ محل مدرسه میسیونرهای فرانسوی در خیابان چهارباغ عباسی بود که با شماره ثبت ۲۴۴۳۸ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

پس از آن شهرداری به طبقه دوم ساختمان متعلق به امین الشریعه اشراقی واقع در میدان مجسمه (انقلاب فعلی) که بعدها تبدیل به هتل شد و در حال حاضر مجتمع تجاری انقلاب بر روی آن بنا گردید، منتقل شد.

سال ۱۳۱۸، کار ساخت بنای شهرداری آغاز شد. بنا با الهام از معماری آلمان به واسطه گسترش روابط سیاسی ایران و آلمان و تأثیرپذیری از آن کشور توسط یک مهندس، اهل شوروی به نام گنجسیان طراحی شد. در دوره پهلوی اول، حضور مستشاران، باعث سیری از تحولات و گونه‌ای از ملی‌گرایی معماری بر اساس الگوهای معماری مدرن غرب با حفظ برخی تزیینات به صورت محدود مربوط به دوره پیش از اسلام در نمای ساختمان‌ها شد که به موجب این ملی‌گرایی به تبعیت کاربرد مصالح بر اساس ویژگی‌های معماری مدرن باب شد که نمونه بارز آن را می‌توان در بانک ملی مرکزی اثر



▲ مدرسه ستاره صبح / آرشیو موزه آموزش و پرورش

درهای چوبی بنا نیز مرمت شد. طی این سال‌ها کتابخانه بلدیه در کاخ عالی‌قاپو مستقر بود و قرار شد کاخ عالی‌قاپو و چهلستون هردو به اداره معارف تحویل داده شوند. با آنکه بخش‌های زیادی از کاخ چهلستون توسط بلدیه مرمت شد اما هنوز اقدامات کافی برای ایجاد موزه‌ای که سال‌ها قبل به تصویب رسیده بود، انجام نشده بود. در نهایت در سال ۱۳۱۶ شمسی کاخ عالی‌قاپو و چهلستون از سوی بلدیه تحویل اداره معارف شد. پس از این تغییر و تحولات، صهبا به سمت نماینده باستان‌شناسی اداره معارف مشغول تعمیرات شد و البته پیشتر در سال ۱۳۱۴

به شهر اصفهان را در این موزه نگهداری کنند. با تصویب این پیشنهاد در وزارت داخله مقرر شد که موزه بلدیه زیر نظر آندره گدار فرانسوی ایجاد شود. عملاً تا سال ۱۳۱۵ شمسی هیچ قدمی در این راه از سوی بلدیه برای ایجاد موزه برداشته نشد. در شهریورماه ۱۳۱۵ مبلغ ده هزار ریال برای تعمیر کاخ در نظر گرفته شد و بلدیه در آذرماه همان سال تحت نظر مشکاتی نماینده اداره عتیقات تعمیرات چهلستون را آغاز کرد. در این تعمیرات علاوه بر مرمت ازاره‌های سنگی اطراف دیوارها و پل‌های سنگی اطراف عمارت، آبروهای بام‌ها را نیز مرمت و آجر فرش و بندکشی کردند. همچنین



▲ **مرحوم محمدعلی مکرم اصفهانی**
رئیس کتابخانه شهرداری اصفهان

مکرم حبیب آبادی بود.

■ تاریخچه وجه تسمیه بنا

بنای شهرداری مرکزی اصفهان (با نام کاخ شهرداری) در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی (در زمان پهلوی اول) در دوران شهردار غلامرضا الهامی پی‌ریزی شد. با تعویقی که به واسطه بروز پاره‌ای مشکلات در این امر ایجاد شد، کار ساخت آن به‌طور جدی در سال ۱۳۲۳ هجری شمسی و در زمان شهردار مجتبی دولت‌آبادی آغاز و در سال ۱۳۲۵ هجری شمسی در زمان آقای ابراهیم غفاری با پیمانکاری آقای کریمیان و نظارت مهندس عبدالحسین ملک‌التجار خاتمه یافت.

■ مشخصات بنا

این بنا با الهام از معماری آلمان‌ها (در دوران هیتلر) به واسطه گسترش روابط سیاسی ایران و آلمان و تأثیرپذیری از آن کشور در دوطبقه طراحی شد. کاخ شهرداری با خیابان‌های اطراف خود - سپه و چهارباغ عباسی - حدود پنج متر فاصله گرفته است و محدود زمین توسط پیاده‌روی سنگی از خیابان جدا می‌شود. ساختمان بر روی صفه‌ای که حدود یک متر از سطح زمین بالاتر است قرار دارد. پلان آن به شکل (یو) طراحی شده است در قسمت شمالی، پارکینگ با رفیوژ فضای سبز در انتهای ساختمان تعبیه شده و دسترسی به آن از طریق خیابان سپه صورت می‌پذیرد. حیاط مرکزی این بنا



▲ **مرمت ازاره‌های سنگی چهلستون آرشو مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی اصفهان**

نیز به تعویق افتاد تا اینکه سرانجام با پیمانکاری آقای کریمیان و نظارت مهندس ملک‌التجار کار ساخت و ساز بنا در سال ۱۳۲۵ پایان یافت. ابتدا به‌عنوان قرائت‌خانه و کتابخانه از ساختمان مذکور استفاده می‌شد و درب ورودی بنا نیز درب پشتی عمارت واقع در خیابان سپه بود. در آن زمان رئیس کتابخانه، شاعر و روزنامه‌نگار، مرحوم محمدعلی

محسن فروغی مشاهده کرد. با شروع جنگ جهانی دوم در ۹ شهریور ۱۳۱۸، ایران بی‌طرفی خود را اعلام کرد، اما به دلیل گستردگی مرز ایران با اتحاد جماهیر شوروی و درگیری شوروی با آلمان این بی‌طرفی ناپایدار بود. ارتش متفقین به بهانه حضور کارشناسان آلمانی در ایران این کشور را اشغال کرد. در آن سال‌ها کار ساخت بنای شهرداری

بنای شهرداری مرکزی اصفهان (با نام کاخ شهرداری) در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی (در زمان پهلوی اول) در دوران شهردار غلامرضا الهامی پی‌ریزی شد. با تعویقی که به واسطه بروز پاره‌ای مشکلات در این امر ایجاد شد، کار ساخت آن به‌طور جدی در سال ۱۳۲۳ هجری شمسی و در زمان شهردار مجتبی دولت‌آبادی آغاز و در سال ۱۳۲۵ هجری شمسی در زمان آقای ابراهیم غفاری با پیمانکاری آقای کریمیان و نظارت مهندس عبدالحسین ملک‌التجار خاتمه یافت.

- اسلامی، ۱۳۸۰
۷. ناقور، سال اول ۱۳۲۶ ق
 ۸. انجمن مقدس ملی اصفهان (سال اول و دوم ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ ق)
 ۹. رجایی، عبدالمهدی. فصلنامه مطالعات تاریخی سال دوم شماره ۶
 ۱۰. خلاصه مطالب توسط آقای مهندس محمود درویش درباره طراح و ناظر بنای شهرداری اصفهان
 ۱۱. خلاصه مطالب توسط آقای پوریای ولی مربوط به ساختمان‌های متعددی که شهرداری اصفهان بین سال‌های ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۵ در آن مستقر بود.
- از چوب و روی آنها از بتن مسلح استفاده شده که مانع ایجاد صدا و انتقال صوت در طبقات می‌شود. باتوجه به سبک معماری این بنا، در آن تزئینات قابل توجهی به چشم نمی‌خورد.
- دخول و تصرفات انجام شده و مشهود در بنا:** بنا بر شواهد موجود، در سرسرای ورودی مقابل ایستگاه پله، پنل گچی پیش‌ساخته و باکس نور مخفی حاشیه در سقف به کار رفته است و نیز در دوده قبل در پاگرد دستگاه پله ارتباطی، دیوار با تابلوی فرسک سفالی پوشیده شده است که اصالت بنا را مخدوش می‌سازد.

فهرست منابع

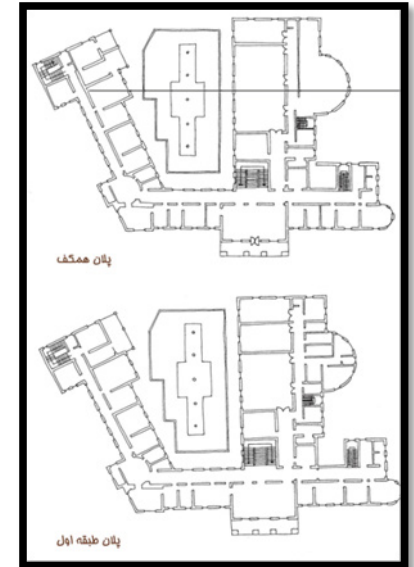
۱. اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی
۲. اسناد سازمان میراث فرهنگی
۳. موزه آموزش و پرورش استان اصفهان
۴. روزنامه اخگر
۵. روزنامه صبح امید
۶. مختاری اصفهانی، رضا. اسنادی از انجمن‌های بلدی، تجار و اصناف (۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ هجری شمسی)، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد

با فضای سبز و آب‌نمای داخلی آن علاوه بر ایجاد دید و منظر زیبا باعث تلطیف هوا و نور داخل می‌شود. کاربری‌های متفاوت در دوطبقه ساختمان تعبیه شده و ارتباط دوطبقه به وسیله دستگاه پله عریضی که در سرسرای ورودی قرار گرفته میسر می‌شود، در وضعیت کنونی بخشی به عنوان روابط عمومی در طبقه سوم ضلع شرقی و بخش دیگری به عنوان پارکینگ در شرق زیرزمین الحاق شده که قسمتی از آن به صورت نمایشگاه درآمده است.

ویژگی بنا: ویژگی این اثر در نمای بنا، کاربرد مصالح و سازه‌های نوین و تزئینات است که در ادامه به توضیح هریک می‌پردازیم.

نمای بنا: این بنا در مجموع دارای کالبدی افقی و کشیده بوده و پوسته رواق مانند جلوی ورودی با ستون‌های قطور و رفیع خود استواری، عظمت و استحکام خاصی به آن بخشیده است. پنجره‌های بلند و باریک با قاب سنگی اطراف خود کشیدگی ساختمان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. نما از سنگ سفید پوشیده است که از بالای ازاره سنگی تیره رنگی که سطح تراز همکف را مشخص می‌کند شروع شده و تا بام ادامه می‌یابد.

مصالح و سازه: ساختمان با بهترین نوع مصالح زمان ساخت بنا شده است. برای ساختن دیوارها از آهک و ماسه شوسه استفاده شده و کف پوش هاسنگی است. اتاق‌ها دارای سقف دوپوش هستند و در زیر طاق‌ها



▲ پلان بنای شهرداری اصفهان

مهندس ملک تجار؛ کارنامه‌ای درخشان



▲ پل کره بست حوالی لردگان / طراحی و اجرای مهندس ملک / ۱۳۳۵

همچنین اجرای پروژه‌های متعدد از ساختمان‌های دانشکده‌های متعدد دانشگاه اصفهان (به جز دانشکده پزشکی) تا خیابان‌کشی‌هایی چون بزرگمهر و رباط، پروژه مجتمع پارک، ساخت تصفیه‌خانه‌های فاضلاب جنوب و شمال اصفهان، بیمارستان‌های فیض و امین و نیز ساختمان مرکزی اتاق بازرگانی اصفهان از جمله پروژه‌هایی است که وی محاسبه و اجرا کرده است. وی که سال‌های بسیار پرزحمت و پرکار را سپری کرده بود، در پی انقلاب از جمله برای معالجات از ایران سفر کرد و حدود ۱۱ سال در خارج از کشور رحل اقامت گزید ولی دیگر بار به اصفهان بازگشت. او بی‌تردید از چهره‌های برجسته مهندسی ساختمان ایران است.

منبع: فیلم مستند «گذری بر خاطرات مهندس ملک التجار» تهیه شده در اتاق بازرگانی اصفهان، بهار ۱۳۹۲

عبدالحسین ملک تجار متولد ۱۳۰۹ نخستین مهندس راه و ساختمان اصفهان در ۱۳۳۰ از دانشگاه فنی تهران فارغ‌التحصیل شد و در طول حدود نیم‌قرن بیش از ۱۰۰ پروژه بزرگ را اجرا کرده است که هر کدام، پروژه‌هایی نمونه و ماندگار بوده‌اند.

نخستین پروژه مهم وی در اصفهان اجرای ساخت بنای شهرداری اصفهان بود (۱۳۳۰ تا ۱۳۳۱) که نقشه آن از یک معمار روس به نام گنجسیان بود و مهندس ملک آن را اجرا کرد. پروژه‌های مختلف راه‌سازی از جمله پروژه گردنه رخ (اصفهان به شهرکرد) را وی خود نقشه‌برداری، طراحی و اجرا کرد که با شکافت کوه و دشواری‌های فراوانی همراه بود که با تکنولوژی آن زمان کاری بس سترگ به شمار می‌رفت. پل «کره بست» در مسیر لردگان را وی در ۱۳۳۵ طراحی و اجرا کرد. اجرای ساختمان هتل عباسی که نقشه آن از ماکسیم سیرو بود، یکی دیگر از پروژه‌های ماندگار وی به شمار می‌رود.



آشنایی با رصدخانه فرهنگی استان اصفهان



رصدخانه فرهنگی اجتماعی استان اصفهان

یکی از وظایف مدیران و برنامه ریزان فرهنگی طراحی مسیرهایی است که شناخت حوزه فرهنگی، برنامه ریزی و تصمیم گیری در این باره را تسهیل کند. با توجه به ماهیت پویا و سیال فرهنگ، رشد فرهنگی یک جامعه زمانی امکان پذیر است که به طور پیوسته تصویر درست و واقع گرایانه ای از وضعیت عناصر فرهنگی و اجتماعی جامعه به دست آید تا مبنای برنامه ریزی برای دستیابی به وضعیت مطلوب فرهنگی و استقرار جامعه ای سالم باشد. از این رو عطف به مصوبه جلسه شصت و چهارم شورای فرهنگ عمومی استان اصفهان دوم

شهریور ۱۳۹۴ تاسیس رصدخانه فرهنگی اجتماعی استان اصفهان به منظور شناخت مسائل فرهنگی و شناسایی وضعیت موجود مولفه ها و جریان های فرهنگی در دستور کار قرار گرفت و در سیزدهم اسفندماه ۱۳۹۴ تصویب و در اردیبهشتماه ۱۳۹۶ همزمان با هفته نکوداشت اصفهان به طور رسمی آغاز به کار کرد. «رصدخانه فرهنگی اجتماعی استان اصفهان» مرجع رصد، پایش، تحلیل و پیش بینی واقع گرایانه و بهنگام از وضعیت فرهنگی اجتماعی استان اصفهان می باشد.

آنچه که رصدخانه به عنوان مأموریت خود ترسیم کرده است، نهادی است چابک، معتبر و آینده نگر که می کوشد با بهره گیری از تمامی ظرفیت های علمی در دسترس و تعامل با نهادهای مختلف اجرایی، در فرآیندی پویا و مستمر، کارآمد و نوآورانه، مبتنی بر الگوهای مستند علمی و ابزارهای پیشرفته، ضمن رصد موضوعات و مسائل فرهنگی اجتماعی به پایش، تحلیل و روندنگاری پیرامون آنها پرداخته و محصولات و خدمات خود را در قالب مستندات علمی پژوهشی و فعالیت های مشاوره ای و آموزشی به ذینفعان ارائه کند.

■ قلمروی موضوعی

موضوع رصدخانه فرهنگی اجتماعی استان، شناسایی جریان ها و مسایل فرهنگی و اجتماعی جامعه، آرایه ای راهبردهای مواجهه ی صحیح و هدفمند با آنها و آینده نگری فرهنگی با رویکرد استانی است. ابعاد و موضوعات رصد شامل چهار بعد اصلی و زیرمولفه های آنها است:

■ اجتماعی

سرمایه اجتماعی
مشارکت
اعتماد
انسجام

■ فرهنگی

مسائل و آسیب های اجتماعی
ناظر به اقوام
ناظر به اقشار
ناظر به ادیان
ابعاد عینی
رفتارها و مهارت های فرهنگی
فعالیت ها و رویدادهای فرهنگی
اماکن و مراکز فرهنگی
کالاهای فرهنگی
خدمات فرهنگی
صنایع فرهنگی

■ سیاسی

نوآوری های فرهنگی
ابعاد ذهنی
باورها
ارزش ها
هنجارها
آداب و رسوم
عرف
قانون
نهادهای سیاستگذار فرهنگی
مأموریت ها
راهبردها و سیاست ها

■ اقتصادی

فعالیت ها و اقدامات
گروه های هدف و مخاطبان
میزان اثربخشی
جریان های فرهنگی
مبدأ و منشا
زمینه و بستر رشد
روند و میزان گسترش
میزان تاثیرگذاری
گروه های هدف و مخاطبان
اقتصاد فرهنگ
کارآفرینی اجتماعی

■ اهداف رصدخانه عبارتند از:

پایش و بهنگام رسانی اطلاعات مورد نیاز و مرتبط برنامه ریزان، پژوهشگران و سیاستگذاران فرهنگی اجتماعی. شناسایی و اولویت بندی جریان های فرهنگی و اجتماعی موجود در استان از ابعاد گوناگون تحلیل مسائل، رویدادها و فعالیت های فرهنگی و اجتماعی جامعه در سطوح فرهنگ عمومی و خرده فرهنگی. تحلیل روند، تغییر و تحولات مؤلفه ها و حوزه های مهم و استراتژیک عرصه فرهنگ و آینده پژوهی موضوعات و شناسایی تهدیدها و فرصت ها جهت برنامه ریزی و تصمیم گیری.

■ فعالیت های محوری

از آثار فعالیت چند ماهه رصدخانه، فعالیت های محوری این مرکز، شامل تکمیل و تأمین زیرساخت ها و پروژه های مرتبط با اهداف بوده است.

■ پروژه ها

پروژه های در حال طرح ریزی و اجرا در رصدخانه فرهنگی اجتماعی استان شامل محصولات و خدمات و برنامه های مرتبط با مأموریت این مرکز است که در ادامه به آنها اشاره می شود.

■ الف) محصولات

از جمله محصولات محوری و اصلی رصدخانه که برخی از آنها (با توجه به امکانات نسبی) در حال

مطالعه، طراحی، تولید و نشر است به شرح زیر می باشد.

◀ سالنمای فرهنگی اجتماعی (رصد زمان محور) «سالنمای فرهنگی اجتماعی» مجموعه گزارش های دوره های سالانه در خصوص شاخص های فرهنگی و اجتماعی منتخب به منظور استقرار روند پژوهی بر روی مؤلفه های فرهنگی اجتماعی است. ▶ شناسنامه فرهنگی اجتماعی (رصد موضع محور)

این محصول به عنوان اولین محصول رصدخانه دارای مدل نظری و عملیاتی نسبتاً کاملی بوده و اولین خروجی آن فاز اول از فازهای چهارگانه شناسنامه فرهنگی اجتماعی محلات می باشد که در قالب ۱۶ جلد کتاب شامل ۱۵ مجلد مربوط به مناطق ۱۵ گانه و یک مجلد مربوط به شناسنامه شهر اصفهان منتشر شده است.

■ اطلس رویدادهای فرهنگی اجتماعی

محصول دیگری که رصدخانه در حال برنامه ریزی برای تهیه آن است، اطلس رویدادهای فرهنگی اجتماعی است که تاکنون دو دفتر آن (به صورت آزمایشی) تهیه شده است: ▶ دفتر اول: رویداد فرهنگی مذهبی محرم- خیمه های عزاداری ▶ دفتر دوم: رویداد فرهنگی مذهبی محرم- ایستگاه های صلواتی تک نگاره های موضوعی



■ جهان نمای فرهنگ

به منظور غنی سازی ادبیات نظری و آگاهی از تجربیات جهانی در حوزه رصد و شاخص های فرهنگی، ترجمه برخی آثار با عنوان کلی جهان نمای فرهنگ در قالب چندین مجلد در دستور کار قرار گرفت، که از جمله موارد تولید شده و در حال تولید می توان به موارد زیر اشاره نمود: جلد اول: اصطلاحنامه فرهنگ (یونسکو) جلد دوم: شاخص های فرهنگی شهر بارسلونا (۲۰۱۴) جلد سوم: چارچوب یونسکو برای آمار فرهنگی (در مرحله ویرایش) جلد چهارم: مروری بر رصدخانه های فرهنگی،

این محصول محوری، مجموعه مطالعات جامع پیرامون مؤلفه های فرهنگی منتخب (به سفارش دستگاه های عضو) می باشد که از جمله می توان به مورد زیر اشاره نمود:

▶ روند پژوهی مصوبات ادوار شورای فرهنگ عمومی استان ▶ پژوهش یار رصد دست های دیگر از محصولات این مرکز، دستورالعمل های راهنمای پژوهشگران رصدخانه فرهنگی اجتماعی به منظور تحقق مدیریت دانش و جلوگیری از فردمحوری در فعالیت های رصدخانه است.

شهری و علم و فناوری (در دست تدوین)

■ داده کاوی فرهنگی

انجام مطالعات اولیه در خصوص جمع آوری و تحلیل داده ها و استخراج اطلاعات، الگوها و روابط مشخص با استفاده از کلان داده ها (Big Data) در دستور کار رصدخانه قرار دارد. به نظر می رسد، اهمیت این محصول فناورمحور رصدی به «شرط اجرای موفق» می تواند به قدری باشد که تمامی پروژه ها و خدمات رصدی این مرکز و سایر مراکز استانی دیگر را تحت الشعاع قرار داده و انقلابی عظیم در برنامه ریزی های فرهنگی به وجود آورد.

▶ ب) خدمات و برنامه ها

نگاهی به رصدخانه‌های فرهنگی در سراسر جهان



اختصاري ENO نامیده شده‌اند. آلبرنوز و هرشمن (۲۰۰۸) در مطالعه خود تعداد ۶۱ رصدخانه را در حوزه‌های فرهنگ، اطلاعات و ارتباطات در کشورهای پرتغالی با اسپانیایی زبان تا سال ۲۰۰۸ مورد بررسی قرار داده است. بر اساس یافته‌های این گزارش، قلمروی فعالیت رصدخانه‌های فرهنگی در سطوح مختلف (شهری، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی) می‌باشد که عمدتاً در قلمروی ملی و منطقه‌ای فعالیت می‌کنند. در عین حال نقطه اشتراک آنها، تلاش برای ترویج و توسعه فرهنگ به عنوان شرطی ضروری برای توسعه پایدار چه در سطوح محلی و چه فراتر از آن است.

تهیه شده در رصدخانه فرهنگی اجتماعی استان اصفهان

تأثیرات پدیده‌های فرهنگی و پیش‌بینی سناریوهای فرهنگی آینده کمک می‌کند. ساختار رصدخانه‌های فرهنگی نیز بسته به اجزایی که آنها را تشکیل می‌دهند، ماهیت آنها، دامنه عمل و چارچوب عملیاتی متفاوت است. برخی از رصدخانه‌های فرهنگی، موسسات مستقل و برخی وابسته به دولت هستند. برخی از این مراکز تحت همین عنوان (رصدخانه) فعالیت می‌کنند و برخی دیگر موسسات، واحدهای دانشگاهی، سازمان‌های دولتی و مشابه آن هستند که بدون اینکه عنوان «رصدخانه» را برگزینند، وظیفه رصد و دیده‌بانی حوزه فرهنگ را انجام می‌دهند. در سال‌های اخیر یونسکو پروژه‌های را در راستای ساختن رصدخانه‌های فرهنگی با یکدیگر آغاز کرده است که برای نمونه می‌توان به «شبکه رصدخانه‌های اروپایی در حوزه آموزش فرهنگ و هنر» اشاره کرد که با نام

امروزه شاهد گسترش روزافزون مراکز و موسسات فرهنگی با عنوان «رصدخانه‌های فرهنگی» / Cultural Observatories در سراسر جهان هستیم. رصدخانه فرهنگی، مرکزی برای گردآوری، پردازش و انتشار اطلاعات مربوط به فرهنگ است. این مراکز ابتدا در اروپا به وجود آمدند و سپس به بقیه قاره‌ها گسترش یافتند. علت ایجاد آنها نیاز دولت‌ها و موسسات و بنیادهای آکادمیک برای ساماندهی منابع اطلاعاتی، ارائه اطلاعات دقیق و بهنگام، نظارت و تحلیل سیستماتیک بر روی خط مشی‌های فرهنگی و پژوهش و برنامه‌ریزی پیرامون توسعه فرهنگی است. در میان اهداف اصلی رصدخانه‌های فرهنگی می‌توان به پایش، نظارت و انتشار اطلاعات برای بخش فرهنگی، عمق بخشیدن به تحلیل واقعیت‌های تاریخی-فرهنگی هر کشور و جستجو و انتشار اطلاعاتی اشاره کرد که به تجسم

برخی از رصدخانه های فرهنگی در پنج قاره



رصدخانه خط مشی فرهنگی
(سانتیاگو)



Regionalne
Obserwatorium
Kultury | UAM
رصدخانه منطقه ای فرهنگ
(پوزنان)



مفاهیم فرهنگی
(برلین)



مرکز اطلاعات
فرهنگی مسکو



رصدخانه فرهنگ
پیمونت (تورین)



رصدخانه فعالیتهای فرهنگی (لیسبون)



رصدخانه شمال غرب (اروپا)
منچستر



موسسه فرهنگ و جامعه (سیدنی)



بنیاد اینترآرتس (رصدخانه اروپایی
خط مشی های فرهنگی منطقه ای و شهری)



رصدخانه فعالیتهای
و خط مشی های
فرهنگی یونان آتن



موسسه فرهنگ و
گردشگری کره (سئول)



رصدخانه خط مشی های
فرهنگی آفریقا (ماپوتو)



رصدخانه صوتی تصویری اروپایی
(استراسبورگ)



موسسه ایتالیایی صنایع
فرهنگی (رم)



آزمایشگاه کیوتو برای فرهنگ و محاسبات



شبکه فرهنگ اطلاعات اروپایی -
مدیرانه ای (مارسی)



مرکز خط مشی فرهنگی (شیکاگو)

پژوهش شهری

معرفی مدل مفهومی شناسنامه فرهنگی اجتماعی محلات شهر اصفهان

پژوهش: طراحی مدل مفهومی شناسنامه فرهنگی اجتماعی محلات

شهر اصفهان

کارفرما: معاونت برنامه ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری اصفهان

مجری: معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی واحد اصفهان / گروه مطالعات

اجتماعی فرهنگی شهر

اتمام: ۱۳۹۷

دکتر مهدی ژیانپور

معاون پژوهشی جهاد دانشگاهی واحد اصفهان

در راستای تدوین مدل مفهومی شناسنامه فرهنگی اجتماعی محلات از روش کیفی استفاده شده است. در روش کیفی هر آنچه در جهان اجتماعی اتفاق می افتد، به عنوان یک برساخته اجتماعی و محصول انسانی تلقی شده و قابل تحلیل و بررسی است.

محافظت می کند و مراکز شهرها و محله های قدیمی را باز زنده سازی می کند)، ارتقای سرمایه ها و دارایی های محله ای و تجدید حیات اجتماعی درونی آن ها، امری ضروری است. از جمله پیش نیازهای دستیابی به این اهداف، در اختیار داشتن اطلاعات دقیق در مورد شاخص های فرهنگی و اجتماعی محلات است که طراحی مدل مفهومی شناسنامه ی فرهنگی اجتماعی محلات از گام های اولیه و موثر در جهت نیل به این هدف است. این مدل مفهومی محققان و سیاست گذاران فرهنگی را مجهز به بینشی نظری جهت شناسایی مولفه های مورد نظر در محله خواهد کرد. همچنین امکان برنامه ریزی مبتنی بر اطلاعات علمی و دقیق را فراهم می نماید، از هدر رفتن منابع جلوگیری می کند، همگرایی دستگاه های موثر در محله را به ارمغان آورده و به تسریع و انسجام فعالیت های فرهنگی و اجتماعی در محلات منجر خواهد شد.

در راستای تدوین مدل مفهومی شناسنامه فرهنگی اجتماعی محلات از روش کیفی استفاده شده است. در روش کیفی هر آنچه در جهان اجتماعی اتفاق می افتد، به عنوان یک برساخته اجتماعی و محصول انسانی تلقی شده و قابل

رویکرد غالب در فعالیت های فرهنگی اجتماعی کلان شهر اصفهان حرکت به سمت رویکرد محله محوری است. بدین معنا که در کنار فعالیت های شهری که بخشی از منابع را به خود معطوف می کند، اکثر منابع مالی و انسانی به سمت فعالیت های محله ای سوق پیدا خواهد کرد و مقیاس جغرافیایی برای انجام امور، «محله» خواهد شد. با توجه به اهداف برنامه ی راهبردی اصفهان ۱۴۰۰ برای دستیابی به توسعه ای درون زا (که رشد پراکنده را کاهش می دهد، از فضاهای باز

اسنادی و مصاحبه گروهی و فردی استفاده شده است. پژوهش حاضر ابتدا با مطالعه‌ی اسناد موجود، سیر تحول محلات در تاریخ، رویکردهای توصیف‌کننده‌ی محلات، محلات شهر اصفهان و پیشینه‌ی پژوهشی موجود در زمینه‌ی توصیف محلات را مرور نمود و در نهایت مدل اولیه‌ی توصیف ویژگی‌های اجتماعی فرهنگی محلات شهر اصفهان را که خروجی این مرور اسنادی است ارائه شد.



محلات را مرور نمود و در نهایت مدل اولیه‌ی توصیف ویژگی‌های اجتماعی فرهنگی محلات شهر اصفهان را که خروجی این مرور اسنادی است ارائه شد. در ادامه بعد از کاوش در اسناد، به منظور تصحیح، توسعه و تکمیل مدل اولیه‌ی شناسنامه‌ی فرهنگی اجتماعی محلات اصفهان، همچنین تطبیق آن با بافت شهر اصفهان و در نهایت ارائه‌ی شاخص‌ها، این مدل به متخصصان، مجریان و

تحلیل و بررسی است. داده‌های کیفی ماهیتی تجربی داشته و به درگیری زیاد محقق وابسته است. در این پژوهش جهت کسب داده‌های کیفی از مطالعه اسنادی و مصاحبه گروهی و فردی استفاده شده است. پژوهش حاضر ابتدا با مطالعه‌ی اسناد موجود، سیر تحول محلات در تاریخ، رویکردهای توصیف‌کننده‌ی محلات، محلات شهر اصفهان و پیشینه‌ی پژوهشی موجود در زمینه‌ی توصیف

متصدیان شهری جهت اخذ نظرات و دیدگاه‌های آن‌ها طی جلسات مصاحبه‌ی گروهی و فردی ارائه گردید و نظرات آنان اخذ شد.

یافته‌ها حاکی از آن است که نظریه‌ها و رویکردهای بسیاری با اتخاذ لنزهای مفهومی ویژه سعی در توصیف ویژگی‌های محلات داشته‌اند. رویکردهای توسعه پایدار محله، کیفیت زندگی در محله، هویت محله‌ای، شهروندی و محله‌ی ایرانی‌اسلامی و مباحث مرتبط به آن‌ها از جمله رویکردهایی هستند که هر کدام با جهت‌گیری نظری خاص خود محله را از نظر ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی توصیف نموده‌اند. بر اساس رویکرد توسعه پایدار محله‌ای، ویژگی‌های یک محله در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی قابل بررسی است. پایداری به عنوان مفهومی جدید درصدد است به شناخت محله در محورهای فوق در قالب یک تفکر سیستماتیک (در پیوند قرار دادن تمامی مولفه‌ها در محیط زیست) بپردازد و تعامل میان سیستم‌های بیولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی جوامع بشری را ترسیم کند. مفهوم کیفیت زندگی با ابعاد مختلف توسعه پایدار در ارتباط است. هدف از مطرح کردن مفهوم کیفیت زندگی در شهر، اصلاح و تکامل مفهوم توسعه از توسعه‌ی صرفاً کمی، به توسعه‌ای پایدار بوده است (کوکبی، ۱۳۸۴، ۸). هدفی که در پی بالا بردن سطح کیفیت زندگی انسان‌ها بر اساس برقراری تعامل میان سیستم‌های بیولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی جوامع بشری است. بر این مبنا، کیفیت زندگی شهری و به تبع آن محله‌ای در پی توصیف شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی، محیطی و روانی در دو وجه عینی و ذهنی است. رویکرد هویت محله‌ای بر مکان، فضا و زمان به عنوان عناصر تشکیل دهنده‌ی محله که مولفه‌های سازنده‌ی شخصیت آن نیز هست، تأکید دارد. بر اساس این رویکرد، مولفه‌های سازنده‌ی هویت یک محله در دو بعد عینی و ذهنی و در سه محیط طبیعی (مانند کوه، دشت، رود)، مصنوع

(مانند بناها، راه‌ها، خیابان‌ها، میادین) و انسانی (مانند آداب و رسوم و اعتقادات) تبلور می‌یابد. شهروندی و مفاهیم مربوط به آن مانند فرهنگ شهروندی، اخلاق شهروندی، حقوق شهروندی و وظایف شهروندی از جمله رویکردهایی است که در پی توصیف ویژگی‌های فرد به مثابه شهروند در محیط شهری است؛ و از آنجایی که محله به عنوان اولین واحد تقسیمات شهری، شهروندان را در خود سکنی داده است می‌توان با شناخت ارزش‌ها، اصول رفتاری و نگرش‌های این افراد که تشکیل دهنده‌ی اجتماع محلی هستند، ویژگی‌های اجتماعی یک محله را رصد نمود. رویکرد ایرانی‌اسلامی، ورود اسلام به ایران را نقطه‌ی عطف تغییر شهرها و محلات ایرانی می‌داند؛ زیرا اسلام با ورود خود به ایران، ضمن اختلاط با شهرهای ایرانی، مبانی و اصول اسلام را در کالبد و روح شهرها دمید (به نقل از غلامی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۲). محله، به عنوان واحد اجتماعی بزرگ‌تر از خانواده و کوچک‌تر از شهر نقش برجسته‌ای در این شهر ایفا می‌نماید و به مجموعه‌ای اطلاق می‌شود که بیانگر وحدت جامعه‌ی اسلامی است که این وحدت ریشه در وجه توحیدی اصول دین دارد (همان: ۴۷).

علاوه بر رویکردهای توصیف‌کننده‌ی محله، پژوهش‌های انجام‌یافته در زمینه‌ی توصیف و شناخت ویژگی‌های شهرها و محلات شهری نیز بر اساس رویکردهای خود بر موارد خاصی تأکید دارند، اما برخی از عناصر و ویژگی‌های قابل بررسی در بسیاری از آن‌ها تکرار شده و مشترک است که این امر حکایت از اهمیت این عناصر در شناخت محلات و مناطق شهری دارد. عناصر و ویژگی‌های مذکور عبارت‌اند از: گستره‌ی جغرافیایی محله، ساختار کالبدی و فضا‌های اجتماعی و فرهنگی محله، زیرساخت‌ها، خدمات و تسهیلات، وضعیت مسکن، تاریخچه‌ی محله، ویژگی‌های منحصر به فرد محله، بناهای تاریخی و آثار باستانی محله، مناطق طبیعی، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، اقتصاد محلی و کسب و کار اهالی

رویکرد هویت محله‌ای بر مکان، فضا و زمان به عنوان عناصر تشکیل دهنده‌ی محله که مولفه‌های سازنده‌ی شخصیت آن نیز هست، تأکید دارد. بر اساس این رویکرد، مولفه‌های سازنده‌ی هویت یک محله در دو بعد عینی و ذهنی و در سه محیط طبیعی (مانند کوه، دشت، رود)، مصنوع (مانند بناها، راه‌ها، خیابان‌ها، میادین) و انسانی (مانند آداب و رسوم و اعتقادات) تبلور می‌یابد



شکل ۱: چهار محور اصلی جمعیت، اجتماع، قلمرو، عملکرد که در تعاریف ارائه شده از محله، رویکردهای توصیف کننده محله و تحقیقات انجام یافته در این زمینه به کرات تأکید شده است، به عنوان الگوی توصیف کننده محلات شهر اصفهان در نظر گرفته شد.

محله، مشکلات آسیب‌ها و جرایم موجود در محله، وضعیت امنیت، فرهنگ و سنت‌های مرسوم، هنر و جشنواره‌های محلی، بهداشت در محله، افراد و گروه‌های تأثیرگذار محلی، رفتارهای فرهنگی و اجتماعی، نیازهای فرهنگی اجتماعی و نگرش‌های فرهنگی اجتماعی.

بر اساس موارد مذکور، مجموعه عواملی که موجودیت یک محله را ترسیم و ویژگی‌های آن را بیان می‌کنند را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

وجود قلمروی جغرافیایی در مقیاس کوچک در سطح شهر است که افراد ساکن در آن خود را با آن هویت‌یابی می‌کنند؛

حضور اجتماع انسانی با خصیصه‌ی اجتماعی و فرهنگی و نیازهای تقریباً مشابه در آن قلمرو؛

وجود کاربری‌هایی که دارای عملکردها، کارکردها و نتایجی و ادامه‌ی حیات یک محله را سبب می‌شود (به نقل از معصومی، ۱۳۹۰: ۵۵).

بنابراین چهار محور اصلی جمعیت، اجتماع، قلمرو، عملکرد که در تعاریف ارائه‌شده از محله، رویکردهای توصیف‌کننده‌ی محله و تحقیقات انجام یافته در این زمینه به کرات تأکید شده است، به عنوان الگوی توصیف‌کننده‌ی محلات شهر اصفهان مطابق شکل ۱ در نظر گرفته شد.

■ مدل مفهومی شناسنامه فرهنگی اجتماعی محلات شهر اصفهان

محور جمعیت به ساختار و روند جمعیت ساکن در یک محله اشاره دارد که توضیح‌دهنده‌ی واقعیت‌های جمعیتی آن محله است. محور اجتماع برگروهی از افراد اشاره دارد که به واسطه‌ی تاریخ و هویت محلی مشترک (روایت مشخص)

و زیست در یک مکان مشترک، نگرش‌ها و رفتارها، مسائل و همچنین نیازهای مشترکی دارند. این اجتماع در قالب مفاهیمی چون روایت محله، گروه‌های اثرگذار، رفتارها، آسیب‌ها و نیازهای موجود در محله، قابل توضیح است. محور قلمرو بستر مکان تعاملات و فعالیت‌های ساکنین یک محله است و شاخص‌های آن شامل موقعیت جغرافیایی محله، مرز محله، عناصر طبیعی و شبکه‌ها راه‌ها می‌شود. در نهایت کاربری‌های مختلف درون یک محله که کارکردی اجتماعی و فرهنگی داشته و نیازهای ساکنین در محلات را پاسخگو هستند توصیف‌کننده محور عملکرد هستند. این محور شامل کاربری‌های فرهنگی، مذهبی، آموزشی، ورزشی، تفریحی - گردشگری، بهداشتی - درمانی، تجاری - خدماتی، مسکونی و میلمان شهری می‌شود.

همچنین «شیوه‌نامه تدوین شناسنامه فرهنگی اجتماعی محلات شهر اصفهان» (بر مبنای مدل مفهومی ارائه شده) به عنوان دستور کار یا برنامه‌ی کار که در آن روش، ترتیب، نظام و حدود فعالیت‌ها به منظور عملیاتی سازی مدل تشریح شده، ارائه شده است. نقطه شروع فعالیت، شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها یا تعاریف آنها است که برای هر یک، نوع داده‌ای که گردآوری می‌شود، منبع تولید آن، ابزار گردآوری، قالب و تکنیک گردآوری آن داده تعیین شده است.

برخی از نهادهایی که می‌توانند از نتایج این طرح استفاده کنند، عبارتند از: شهرداری و زیر مجموعه‌های آن از جمله سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی و حوزه خدمات شهری، شورای شهر، نیروی انتظامی، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره میراث فرهنگی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، اداره کل بهزیستی.

منابع:

کوکبی، افشین، پورجعفر، محمدرضا؛ تقوایی، علی اکبر. (۱۳۸۴). برنامه ریزی کیفیت زندگی شهری - تعاریف و شاخص ها، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۲، صص ۶-۱۳.

غلامی، سعید؛ مشکینی، ابوالفضل؛ دویران، اسماعیل. (۱۳۹۴). طراحی فضایی محلات شهری با تأکید بر اصول دین اسلام در شهر ایرانی اسلامی (مطالعه موردی: محله شهدای شهر زنجان)، هویت شهر، شماره ۲۲، سال نهم، صص ۴۱-۵۲.

معصومی، سلمان. (۱۳۹۰). توسعه محله‌ای در راستای پایداری کلانشهر تهران، تهران: جامعه و فرهنگ.

کلان شهرها

روند معکوس

مهاجرت

به تهران



■ تهران

مهاجرت ۳۵۰ هزار نفر از شهر به دلیل گرانی

موج افزایش اجاره‌بها و خرید مسکن بسیاری از تهرانی‌ها را رهسپار سفری بی‌بازگشت از پایتخت کرد. بسیاری از پایتخت‌نشینان امروز کرج و قزوین‌نشین شده‌اند و پیش‌بینی‌ها حاکی از ادامه افزایش مهاجرت از کلان‌شهر تهران است. برآورد می‌شود در ۵ سال گذشته ۳۵۰ هزار نفر تهران را ترک کرده‌اند.

به گزارش روزنامه آرمان، حکومت سال‌هاست آرزومند کاهش جمعیت تهران است، زیرا امکانات رفاهی، شهری، آموزشی و فرهنگی این شهر برای هفت، هشت میلیون طراحی شده بود، اما تهران در روز حدود ۱۳ میلیون و در شب حدود ۸/۵ میلیون جمعیت داشت. میزان رشد جمعیت در تهران سالانه ۱/۷۹ صدم درصد است که این میزان بیشتر از میانگین کشوری است. به نظر می‌رسد افزایش قیمت سکه، ارز و گرانی اجاره‌بها و مسکن اگر هزاران بدی دارد، لاف‌ل یک خوبی آن ترک شهری مستعد زلزله، پرترافیک و دود توسط برخی از مردم بود. حال باید دید آیا اقدامی زودهنگام برای ممانعت از مهاجرت تهرانی‌ها توسط دولت انجام می‌شود یا

آنها نیز مانند برخی از کارشناسان امیدوارند روند مهاجرت از این شهر روزانه شیب صعودی یابد و به عبارتی تهران خلوت‌تر شود. البته روی دیگر این سکه تاریک است؛ شهروندان زیادی وجود دارند که بخشی از هویت تاریخی و خاطرات خود را در تهران جا گذاشته و به قصد مقصد و شهر جدید قصد عظیمت دارند. پایتخت‌نشینانی که امیدوارند در شهر جدید مانند گذشته ریشه بدوانند و از این مهاجرت پشیمان نشوند.

■ یزد

آلودگی زیست‌محیطی در مهم‌ترین منابع آبی

ترانسه‌های حاصل از برداشت شن و ماسه در محدوده مهم‌ترین منابع آب زیرزمینی استان یزد به محلی برای تخلیه غیرقانونی و شبانه‌های صنعتی و شیمیایی تبدیل شده و این امر به آلودگی منابع حیاتی آب در یزد انجامیده است.

این فعالیت‌ها گاهی علاوه بر ایجاد آلودگی منابع آب زیرزمینی باعث تأثیراتی سوء در هوای این مناطق می‌شود که این موضوع، در استان صنعتی و کم‌آب یزد از حساسیت‌های بالاتری برخوردار است.

به‌عنوان نمونه، برداشت شن و ماسه در محدوده‌ای

آبرفتی به وسعت پنج کیلومترمربع با عمق ۱۰ متر در نزدیکی روستای شحنه در مسیر جاده خضرآباد یزد است که اکنون ترانسه‌های حاصل از آن به محلی برای تخلیه شبانه و غیرقانونی نخاله‌های صنعتی و شیمیایی تبدیل شده است.

به گفته برخی از کارشناسان، ترانسه‌های ایجادشده در این محل که به بافت‌های درشت‌دانه رسیده، تقریباً بر روی مهم‌ترین و بهترین منابع آب زیرزمینی استان یزد قرار گرفته و بارش باران یا بروز سیلاب‌های فصلی در این منطقه با توجه به تخلیه ضایعات صنعتی می‌تواند منجر به نفوذ آلودگی‌های شیمیایی به‌ویژه فلزات سنگین به منابع آب شرب استان شود.

از طرفی ذرات رس، گوگرد، کربن، آرسنیک و روی به‌صورت میکرونی در هنگام برداشت شن و ماسه در این قبیل اماکن، وارد هوا می‌شوند و آلودگی‌های زیست‌محیطی را به همراه دارند.

در مورد این قبیل برداشت‌ها باید گفت به ازای هر تن برداشت شن و ماسه از این اماکن تنها ۴۰۰ تومان به دولت پرداخت می‌شود و هر تن از این مصالح طبیعی برداشت شده در بازار آزاد، با قیمتی بیش از ۶۰ هزار تومان عرضه می‌شود.

■ مشهد

کشتار سگ‌ها ادامه دارد

دوران قتل سگ‌های ولگرد هنوز تمام نشده است. فیلم تزریق اسید به سگ‌های ولگرد این روزها کمتر منتشر می‌شود اما قتل هنوز ادامه دارد.

در حالی که شهرداری در برخی شهرهای ایران به بلوغ مناسبی رسیده است و جمع‌آوری و ساماندهی سگ‌های ولگرد را به سازمان‌های مردم‌نهاد سپرده، در برخی شهرها تصدی‌گری هنوز اجازه رفتار منطقی را به شهرداری‌ها نمی‌دهد. نمونه این رفتار را می‌شود در پناهگاه سگ‌های ولگرد مشهد دید. «پردیس وفاداران» هفته‌هاست که گوشه‌ای از ذهن فعالان محیط‌زیست و حقوق حیوانات را اشغال کرده است؛ جایی که بیش از ۲۰۰۰ قلاده سگ به حال خود رها شده‌اند تا از گرسنگی و تشنگی بمیرند و شهرداری هر روز تعداد بیشتری سگ ولگرد را به آن اضافه می‌کند.

«پناهگاه پردیس وفاداران» مشهد تا همین سه ماه پیش در اختیار یک سازمان مردم‌نهاد بود و بیش از ۱۸۰۰ قلاده سگ در آن نگهداری می‌شد. طبق برنامه باید سگ‌ها واکسن می‌زدند، عقیم می‌شدند و بعد برای واگذاری یا رهاسازی آماده می‌شدند تا اگر

کسی سرپرستی آنها را قبول نکرد، دوباره به حومه شهر برگردند؛ با این تفاوت که این بار خطری برای انسان‌ها نداشتند و می‌توانستند در کنار مردم به زندگی عادی‌شان ادامه دهند. شهرداری مشهد اما بازی را به هم زد و جلوی رهاسازی سگ‌ها را گرفت. فعالان حقوق حیوانات مشهد می‌گویند از سه ماه گذشته که مدیران قبلی پردیس وفاداران اراده آن را به شهرداری برگردانده‌اند تا به حال، شهرداری سوله محل نگهداری حیوانات را به سازمان مدیریت پسماند واگذار کرده است.

خانم دانش، مسئول قبلی این پناهگاه می‌گوید: «شهرداری و سایر سازمان‌های مسئول در مشهد تا جایی که می‌توانستند سر راه ما مشکل ایجاد کردند. از تأخیر در پرداخت صورت‌حساب‌های ما گرفته تا جلوگیری از رهاسازی سگ‌ها در حومه شهر. من برای اداره این پناهگاه، خانه و ماشین خودم را فروختم و صرف این کار کردم. همین الان بعد از سه ماه شهرداری مشهد هنوز ۲۵۰ تومان به من بدهکار است و در پرداخت آن تعلل می‌کند. در مورد رهاسازی هم می‌گویند چون مشهد شهر امام رضا (ع) است نمی‌شود سگ را در اطراف آن رها کرد، در صورتی که تجربه نشان داده است که انجام این

کار هیچ خطری برای مردم و حیوانات ندارد. در شهری که ضامن آهو در آن ساکن است، سگ‌ها را در یک وضعیت اسفناک رها کرده‌اند تا از گرسنگی و تشنگی و بیماری بمیرند و کسی هم مسئولیت مسئله را قبول نمی‌کند.»

■ بندرعباس

فاز اول آب‌شیرین‌کن مهرماه وارد مدار می‌شود

فاز اول آب‌شیرین‌کن ۱۰۰ هزار مترمکعبی بندرعباس بنا به گفته مقامات استان هرمزگان در نیمه نخست مهرماه وارد مدار می‌شود و قرار است طی هر سه الی چهار ماه ۲۰ هزار مترمکعب از آن وارد مدار شود که با افتتاح کامل آن و راه‌اندازی آب‌شیرین‌کن یک‌میلیون مترمکعبی بار بزرگی از دوش منطقه برداشته خواهد شد.

امین قصمی، مدیرعامل آبفای هرمزگان با اشاره به وضعیت منابع آبی استان، بیان داشت: نیاز آبی کل استان در سال ۹۷ با لحاظ اقلیم گرم و خشک، حدود ۱۳۶ میلیون مترمکعب است. این در حالیست که با توجه به کاهش شدید بارندگی در حوزه آبریز منابع آبی استان در سال زراعی ۹۷-۹۶ (۴۷

میلی متر) و به تبع آن کاهش ذخایر آبی، میانگین میزان تولید فعلی آب به ۱۰۳ میلیون مترمکعب کاهش یافته است.

وی اضافه کرد: ۱۱ شهر استان از جمله بندرعباس و بندر خمیر در شرایط بحرانی و ۱۶ شهر دیگر نیز در آستانه بحران قرار دارند.

این مقام مسئول اظهار داشت: برای گذر از تنش کم آبی در شهرهای بحرانی و در آستانه بحران، علاوه بر برنامه‌های میان مدت، راهکارهای کوتاه مدت به عنوان منابع جایگزین و در قالب پروژه‌های مقابله با تنش آبی اندیشیده شده است که حفر و تجهیز ۴ حلقه چاه، کف شکنی ۵ حلقه چاه، اصلاح و بازسازی خطوط انتقال و شبکه‌ها باهدف کاهش هدررفت آب از جمله این راهکارهاست.

به گفته وی؛ برای اجرای کامل برنامه‌های کوتاه مدت و ضربتی اعتباری معادل ۲۳۰ میلیارد ریال مورد نیاز است.

مدیرعامل آبفای استان در ادامه با اشاره به سهم منابع آبی استان از ظرفیت آب شیرین کن‌ها، اظهار داشت: در این زمینه، آبفای هرمزگان با احداث ۱۷ سایت آب شیرین کن فعال توسط بخش خصوصی یکی از شرکت‌های پیشرو در زمینه استفاده از

ظرفیت شیرین سازی آب دریا در سطح کشور است. قصمی افزود: در حال حاضر سالیانه ۲۳ میلیون مترمکعب منابع آب شرب استان از طریق تأسیسات نمک زدایی تأمین می شود به طوری که هم اکنون ۲۲ درصد از نیاز آبی استان از طریق شیرین سازی آب دریا و ۷۸ درصد آن از طریق منابع سطحی و زیرسطحی تأمین می شود.

همچنین با وارد مدار شدن ظرفیت آب شیرین کن‌ها در شهرهای بندرعباس، بستک، درگهان و پارسیان تا پایان سال ۱۴۰۰، بیش از ۶۰ درصد آب استان از طریق تأسیسات شیرین سازی تأمین خواهد شد و ۴۰ درصد مابقی نیز وابسته به آب‌های سطحی و زیرسطحی خواهد بود.

مدیرعامل آبفای هرمزگان در پایان به تنش کم آبی در کلان شهر بندرعباس اشاره کرد و گفت: با بهره برداری از فاز نخست آب شیرین کن بندرعباس به ظرفیت ۲۰ هزار مترمکعب حدود ۲۳۰ لیتر در ثانیه به ظرفیت منابع آبی این کلان شهر اضافه و بخشی از تنش آبی موجود، از طریق این طرح مرتفع می شود.

■ زاهدان

۴۴ درصد جمعیت در حاشیه زندگی می کنند

زاهدان یکی از ۵۴۲ شهری در ایران است که درگیر معضل حاشیه نشینی است و بر اساس آمار رسمی اعلام شده از سوی کارگروه استانی پیش بینی و پیشگیری از گسترش بافت‌های ناکارآمد شهری، ۴۴ درصد از جمعیت این کلان شهر معادل ۲۶۰ هزار نفر ساکن حاشیه و یا به عبارتی بافت‌های ناکارآمد شهری هستند. بافت‌های ناکارآمدی که اگر برای شهروندان و مسئولان ناکارآمد است برای برخی سودجویان کارآمدی خاص خود را دارد.

علاوه بر زاهدان، چابهار، زابل، ایرانشهر و کنارک نیز در سیستان و بلوچستان جزو رتبه‌های برتر کشور در زمینه معضل حاشیه نشینی هستند و به طور کلی ۵ هزار و ۹۰۰ هکتار از اراضی استان محل سکونت حاشیه نشینان است.

هرچند پیامدهای اجتماعی و اقتصادی حاشیه نشینی در همه جای ایران و حتی دنیا یکسان است اما بار منفی حاشیه نشینی در سیستان و بلوچستان وقتی مضاعف می شود که دو موضوع «مهاجرت اتباع بیگانه» و «فاقدان شناسنامه» را به آن اضافه کنیم. رئیس اداره پیشگیری‌های امنیتی انتظامی



در شهری مانند مشهد در مقایسه با مناطق حاشیه‌نشین زاهدان به اصطلاح «بالاشهر» محسوب می‌شود چراکه ارائه خدمات در حاشیه زاهدان تحت تأثیر دو موضوع اتباع بیگانه و مشکوک‌التابعین و فقدان شناسنامه قرار می‌گیرد.

رئیس اداره پیشگیری‌های امنیتی انتظامی دادگستری سیستان و بلوچستان افزود: هیچ کلان‌شهری در ایران به اندازه زاهدان افراد فاقد شناسنامه ندارد به طوری که بر اساس آخرین آمار ۲۰ درصد جمعیت زاهدان فاقد شناسنامه هستند. در طرح شناسایی افراد فاقد شناسنامه در ۲ ماه اخیر ۱۵۰۰ خانوار حدود ۷ هزار نفر برای دریافت شناسنامه به دبیرخانه سازمان مردم‌نهاد معاونت پیشگیری از وقوع جرم دادگستری زاهدان مراجعه کرده‌اند.

باغ شیرین افزود: از طرفی مشکل حضور اتباع بیگانه را در این استان داریم که به اصطلاح آمار آنان رقم سیاه محسوب می‌شود به این معنی که آمار دقیق و قابل‌اعتمادی از جمعیت این افراد در دست نیست بلکه فقط با تخمین‌ها و برآوردها باید این موضوع را مدیریت کرد که این مسئله یکی از مشکلات اصلی در ارائه خدمات شهری است.

دادگستری سیستان و بلوچستان در گفتگو با ایرنا اظهار داشت: در کشور و به تبع آن در سیستان و بلوچستان مشکلات فراوانی در زمینه حاشیه‌نشینی وجود دارد. بیش از ۱۴۰ هزار هکتار بافت فرسوده شامل ۲۷۰۰ محله وسعت حاشیه‌نشینی در ایران است. ۵۴۳ شهر کشور با جمعیتی حدود ۱۹ تا ۲۰ میلیون نفر در این بافت‌های فرسوده زندگی می‌کنند که این جمعیت حدود ۳۰ درصد جمعیت شهرنشین ایران است.

غلامرضا باغ شیرین ادامه داد: در سیستان و بلوچستان نیز در شهرهای زاهدان، چابهار، زابل، ایرانشهر و کنارک ۵ هزار و ۹۰۰ هکتار اراضی حاشیه‌نشین با ۷۷ محله شناسایی شده است. ۴۴۱ هزار نفر از جمعیت استان معادل ۴۱ درصد جمعیت پنج شهر نامبرده درگیر معضل حاشیه‌نشینی هستند به عبارتی ۵۰ درصد در چابهار، ۴۴ درصد در زاهدان، ۴۵ درصد در زابل، ۴۵ درصد در کنارک و ۲۳ درصد ایرانشهری‌ها حاشیه‌نشین هستند که جمعیت حاشیه‌نشین کلان‌شهر زاهدان ۲۶۰ هزار نفر است.

وی تصریح کرد: فقدان عدالت توزیعی در مناطق حاشیه شهر به نسبت مناطق برخوردار در این استان به گونه‌ای است که مناطق حاشیه‌نشین



خبرگزاری ایمنّا
Iran Metropolis News Agency